



**ایران را به اوج ترقی می‌رسانیم**  
رهبر انقلاب در بزرگداشت شهدای جنگ ۱۲ روزه



**خشک شدن چاه‌های آب تهران**  
خطر فرونشست‌ها در پایتخت



**صدای جاودان ایران**  
به یاد محمد نوری در سالمرگ او



# زیر تیغ افراط

**سیدعباس صالحی، وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی از مجلس زرد دریافت کرد**  
**سازندگی بررسی می‌کند که چرا برخی از نمایندگان مجلس درصدد برهم زدن وفاق**  
**آن‌هم در دوران پس از جنگ هستند؟**



**هدا احمدی**

گروه سیاسی



در روزهایی که دولت مسعود پزشکیان بیش از هر زمان به هم‌افزایی قوا برای عبور از بحران‌های انباشته نیاز دارد، مجلس دوازدهم بار دیگر نشان داد که اولویت برخی نمایندگان نه وفاق بلکه سنگ‌اندازی است. در حالی که سیدعباس صالحی وزیر فرهنگ و ارشاد اسلامی، خود با بی‌میلی سکان این وزارتخانه را به دست گرفت و تنها با توصیه رهبر انقلاب حاضر به حضور در کابینه شد، دیروز از بهارستان کارت زرد دریافت کرد. آن هم نه به دلیل نادیده گرفتن وظایف اصلی وزارتخانه‌اش بلکه به دلیل پافشاری طیفی خاص در مجلس بر چالش‌آفرینی سیاسی و جناحی. اتفاقی که در فضای تنش‌زده کنونی، نشانه‌ای آشکار از واگرایی نهادی و بی‌توجهی به توصیه‌های مکرر رهبری درباره عدم مداخله در انتصابات و پرهیز از تقابل با دولت است.

در جلسه علنی روز گذشته مجلس، سوال فتح‌الله توسلی نماینده کیودرآهنگ از وزیر فرهنگ به رأی گذاشته شد. پرسشی که محورهایش بیش از آنکه دغدغه فرهنگی داشته باشد، ردپای رویکردی سیاسی و جناحی را در خود داشت: «بی‌توجهی به وظایف اصلی وزارتخانه»، «توزیع ناعادلانه اعتبارات» و «انتصابات خاص». صالحی، که هنوز یک سال از دوران وزارت خود را نگذرانده و در شرایطی بسیار پیچیده، وارث ساختاری پرمساله شده به این سوالات پاسخ داد اما آنچه در ادامه بیش از پاسخ‌ها، توجه‌ها را به خود جلب کرد نتیجه‌ای برابر با ۱۱۹ رأی موافق و ۱۱۹ رأی مخالف و ۸ رأی ممتنع بود که بر اساس آیین‌نامه به معنای قانع نشدن مجلس از پاسخ‌های وزیر و صدور کارت زرد برای اوست. این یعنی نه اقتناع نمایندگان بلکه یک زورآزمایی عددی از سوی طیفی خاص در مجلس.

ادامه در صفحه ۲



عکس: علی شریف‌زاده / ایرنا

## یک انتصاب عجیب!

اسماعیل سقاب‌اصفهانی کیست  
چه ماموریتی به او محول شده  
و چقدر برای این ماموریت شایستگی دارد؟



یادداشت روز

### موانع مذاکره با آمریکا

چه دلایلی در ایجاد بن‌بست مذاکراتی  
دخیل هستند؟

عبدالرضا فرجی‌راد



استاد ژئوپلیتیک

مذاکرات ایران و آمریکا از یک طرف و مذاکرات ایران و اروپا از سوی دیگر با بن‌بست روبه‌رو شده است که هر کدام دلایل خاص خودش را دارد. در حالی که پنج دور مذاکره بین ایران و آمریکا در رم و مسقط برگزار شد در آستانه دور ششم مذاکرات، طرف آمریکایی با نشان دادن چراغ سبز به اسرائیل، حملاتی را به ایران آغاز کرد که به دنبال آن آمریکا هم با نشانه گرفتن سایت‌های هسته‌ای مستقیماً در این تجاوزات مشارکت کرد. از آن به بعد مذاکرات بین دو کشور که با میانجیگری عمان صورت می‌گرفت، متوقف شد. با اینکه ترامپ در مصاحبه‌های متعدد اعلام کرده بعد از تخریب سایت‌های هسته‌ای ایرانی، عجله‌ای برای مذاکرات ندارد ولی سخنگوی کاخ سفید در مصاحبه‌ها همچنین استیو ویتکاف، فرستاده ویژه رئیس‌جمهور آمریکا و رئیس هیأت مذاکره‌کننده ایالات متحده در چت‌های خود با وزیر خارجه جمهوری اسلامی و یا از طریق واسطه‌ها خواهان ادامه مذاکرات شده‌اند. حملات آمریکا در میانه مذاکرات قبلی یک بی‌اعتمادی قابل درک را در میان تصمیم‌گیرندگان ایرانی به وجود آورده که خواهان مذاکراتی بدون تهدید تا حصول نتیجه شده‌اند. موضوعی که به نظر می‌رسد، طرف آمریکایی علاقه‌ای به آن نشان نمی‌دهد. علت آن هم مشخص است: جمهوری اسلامی بر انجام غنی‌سازی در داخل کشور تاکید دارد اما ترامپ که تحت تاثیر دولتمردان طرفدار اسرائیل قرار گرفته چنین خواسته‌ای را رد می‌کند. اینکه بعد از حدود یک ماهونیم که از جنگ ۱۲ روزه می‌گذرد این بن‌بست مذاکراتی چه وقت تمام می‌شود، مشخص نیست. با اینکه اخیراً ویتکاف اعلام کرده در حال برنامه‌ریزی برای انجام مذاکرات با ایران است اما با توجه به ابزاری همچون مکانیسم ماشه که در دست اروپا قرار دارد و در این رابطه نوعی هماهنگی بین اروپا و آمریکا برقرار شده، بعید به نظر می‌رسد در آینده نزدیک شاهد باشیم که طرف‌های ایرانی و آمریکایی پشت میز مذاکره حاضر شوند؛ مگر آنکه رادحل سومی شبیه کنسرسیوم که قبلاً مطرح شده بود در کلیات مورد توافق قرار گیرد که درباره جزئیات آن باید گفت‌وگو شود. در واقع ترامپ هم در وضعیتی همچون ۶ ماه آخر دوره بایدن قرار گرفته است. در آن دوره جو بایدن و یا دموکرات‌ها به خاطر انتخابات ریاست جمهوری حاضر نبودند، مذاکراتی را به انجام برسانند که با دادن امتیازاتی از میزان آرای آنها در انتخابات کاسته شود. ترامپ هم با توجه به اهمیت انتخابات سنا نمی‌خواهد با اجازه غنی‌سازی به ایران اقدامی انجام دهد که مورد حمله دموکرات‌ها قرار بگیرد و در نهایت سنا را به آنها واگذار کند. این واگذاری می‌تواند، نقطه آغازی باشد برای ائت‌مجبویت ترامپ، فشار بیشتر بر دولت وی، افشاکری‌های بیشتر علیه او، ممانعت از تصویب لوایح مورد علاقه و مهم‌تر از همه زمینه‌سازی برای شکست احتمالی در انتخابات ریاست جمهوری بعدی؛ حال چه از نزدیکان ترامپ نامزد انتخاباتی معرفی شود و یا از جمهوری‌خواه دیگر. بنابراین تمام تلاش ترامپ و دیگر جمهوری‌خواهان این است که سنا را در انتخابات آینده همچون مجلس نمایندگان در اختیار خود داشته باشند تا بتوانند بر اریکه قدرت سوار باشند. البته که ترامپ هنوز امیدوار است به رادحلی با جمهوری اسلامی دست یابد؛ چراکه او به‌رغم قول‌های داده شده در کارزار انتخاباتی که خیلی زود جنگ روسیه و اوکراین، جنگ غزه و مساله هسته‌ای با ایران را حل و فصل می‌کند هنوز کوچک‌ترین دستاوردی نداشته است که در انتخابات بعدی توسط رقیب مورد توجه و حمله قرار خواهد گرفت. به همین دلیل است که در مصاحبه با خبرنگاران از موضعی بالا اعلام می‌کند که سایت‌های هسته‌ای ایرانی را کاملاً نابود کردم اما دستیاران وی به نحوی اصرار بر ادامه مذاکرات دارند. با اینکه اروپا با نزدیک شدن زمان فعال کردن مکانیسم ماشه به دنبال یک رادحل موقت همچون تأخیر ۶ ماهه است تا از افزایش بحران و خروج ایران از آن بی‌تی‌جولوگیری کند اما واقعیت این است که مساله هسته‌ای ایران زمانی به سرانجام می‌رسد که ایران و آمریکا، راهی برای گفت‌وگو پیدا کنند. اروپا به تنهایی و بدون همکاری و همراهی آمریکا کاری از دستش بر نمی‌آید و به همین جهت است که در مذاکرات خود با نمایندگان ایرانی به جای اینکه بر توافق قبلی خود یعنی برجام و میزان غنی‌سازی در توافق فوق تاکید کند بر خواسته طرف آمریکایی یعنی غنی‌سازی صفر تاکید می‌کند که این رویکرد غیرقانونی چیزی جز تسلط آمریکا بر سیاست‌های اروپایی را نشان نمی‌دهد.





سال هشتم شماره ۲۰۲۸  
چهارشنبه ۸ مرداد ۱۴۰۴



بررسی رویدادهای سیاسی

میهن

دیدگاه: یادداشت سیاسی

## قانون برای محدودیت!

به پزشکیان رای دادیم  
تا با فشار حداکتری به اصلاح دولت بپردازیم



نوبید حسینیون

عضو شورای استان خراسان رضوی  
حزب کارگران سازندگی ایران

لایحه «مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی» به درخواست قوه قضائیه و با امضای رئیس‌جمهور در حالی به مجلس ارسال شد که در شرایط پس از جنگ، سرویس اینترنت کشور علاوه بر فیلترینگ رسمی و هدفمند دچار چالش‌های بسیاری است و بدون این قانون هم اهل رسانه زیر فشار شدید برای اطلاع‌رسانی قرار دادند و این محدودیت جدید نیز واکنش‌های زیادی را در کشور برانگیخت. هر چند معاونت حقوقی ریاست جمهوری با توضیح اینکه این لایحه از سال ۹۹ در دستور کار بوده و سال ۱۴۰۲ به دولت رسیده و دولت با تعدیل و تصحیح لایحه و در نظر گرفتن حفظ حقوق شهروندی به این جمع‌بندی رسیده است اما باز هم این توضیحات نتوانست نظر منتقدین را جلب کند و در نهایت اعلام شد که رئیس‌جمهور از وزیر دادگستری خواسته تا نظر منتقدین در جمع‌بندی لایحه دیده شود.

بدون شک در تمام دنیا دولت‌ها مترصد فرصتی هستند تا با تسک کردن دایره نظارت بر شهروندان و کم کردن شفافیت از پاسخگویی فرار کنند تا با آزادی عمل بیشتر بتوانند، فعالیت کنند کما اینکه به طور مثال بعد از حمله به برج‌های دوقلو در آمریکا، دولت بوش از فرصت پیش آمده استفاده کرد و با توجه به ترس عمومی و احساس امنیت از بین رفته از حمله تروریستی در جامعه آمریکا، قانونی تحت عنوان میهن‌دوستی را به تصویب رسانید که سرآغاز اقدامات جاسوسی دولت آمریکا از شهروندان این کشور و سایر مردم در دیگر کشورها بود. ضرورت امنیت بهترین بهانه است تا دولت‌ها در شرایط حالت فوق‌العاده با تصویب قوانین چند پهلوی به ایجاد محدودیت بپردازند.

در لایحه مقابله با انتشار محتوای خلاف واقع در فضای مجازی چند اصل مهم نادیده گرفته شده است. اول اینکه دولت و قوه قضائیه به جای اصلاح عملکرد اشتباه گذشته خود در فشار بر رسانه رسمی که منجر به خارج شدن مرجعیت رسمی رسانه از کشور شده بود به این فشار ادامه داده و سعی در محدود کردن شهروندان در فضای مجازی کرده است. فضای مجازی بُعد دوم فضای عمومی جامعه و مانند کف خیابان است، همان‌طور که نمی‌شود از رواج شایعه و تحلیل درست و نادرست در جامعه جلوگیری کرد در فضای مجازی هم نمی‌شود بلکه وظیفه حاکمیت است که با حمایت و آزاد گذاشتن رسانه و خبرنگار حرفه‌ای از دامن زدن به شایعات جلوگیری کند و نگذارد فضای زیرزمینی و غیررسمی بر جامعه حاکم شود.

حالت دوم را دولت در نظر نگرفته، این لایحه چه اثری بر فضای نیم‌پند کسب‌وکارهای مجازی می‌گذارد، کسب‌وکارهای مجازی به علت فشار بیش از حد در این سال‌ها دیگر توان محدودیت بیشتر را ندارند و در انتها شاید یکی از مواردی که در این لایحه دیده نشده، نقش مسئولین در رواج محتوای خلاف واقع است، حجم اندوهی از محتوا و تحلیل خارج از واقعیت در کشور توسط مسئولین ایجاد می‌شود و در این لایحه تمام محدودیت‌ها متوجه شهروندان است.

بدون شک دولت آقای پزشکیان باید قبل از ارسال لایحه، نظر متخصصین و اهل فن را جمع‌آوری می‌کرد تا فضای جامعه چنین ملتهب نشود.

نقد دیگر اما متوجه فعالین و طرفداران دولت مانند دکتر زارچی و دیگران است که سریع از حمایت و عملکرد خود در انتخاب این دولت تبری می‌جویند. بدون شک اذهان جامعه در لحظه اول ممکن است با این نوع فعالیت احساس همدلی کنند اما در نهایت این نافی پاسخگویی نیست. در فعالیت سیاسی اصل اول ایجاد مطالبه عمومی است. رئیس دولت یا هر سیاستمداری در دعوای ذی‌نفعان متفاوت، جهت تصمیم را به سستی بگیرد که به نفع منافع عمومی نباشد. وظیفه احزاب و طرفداران رئیس‌جمهور ابزار انزجار نیست بلکه باید همانند زمان انتخابات، فضای عمومی را به سمت درست هدایت کنند. این بار باید فشار عمومی جامعه به اهل سیاست باشد تا از تصمیم اشتباه خود صرف‌نظر کند. فراموش نکنید در عالم سیاست ما به علت علاقه و دوستی به شخص رئیس‌جمهور با تفکر او رای ندادیم بلکه به پزشکیان رای دادیم تا در چنین مواردی بتوانیم با فشار حداکتری به اصلاح دولت بپردازیم.

رهبر انقلاب در مراسم بزرگداشت شهدای جنگ تحمیلی اخیر تاکید کردند:

# ایران را به اوج ترقی می‌رسانیم



اصلی ناراحتی و مخالفت آنها به میدان آمدن سخن نو و توانایی‌های جمهوری اسلامی در عرصه‌های گوناگون علمی و دانش‌های انسانی، فنی و دینی است.

آیت‌الله خامنه‌ای با تأکید بر اینکه ملت ایران به توفیق الهی دین و دانش خود را رها نخواهد کرد، افزودند: ما در راه تقویت دین و گسترش و تعمیق دانش‌های گوناگون خود، قدم‌های بلندی برخواهیم داشت و به کوری دشمن خواهیم توانست، ایران را به اوج ترقی و افتخار برسانیم.

رهبر انقلاب، بنای جمهوری اسلامی را بر دو پایه «دین» و «دانش» خواندند و گفتند: مردم و جوانان ایران با تکیه بر این دو پایه، دشمن را در میدان‌های مختلف به عقب‌نشینی وادار کردند و از این پس نیز همین‌گونه عمل خواهند کرد.

ایشان علت اصلی مخالفت استکبار جهانی و در رأس آن آمریکای جنایتکار با جمهوری اسلامی را دین و دانش و اتحاد ایرانیان زیر سایه قرآن و اسلام دانستند و گفتند: آنچه آنها به عنوان هسته‌ای، غنی‌سازی و حقوق بشر مطرح می‌کنند، بهانه است و علت

در بخش دیگری از سخنان خود، توسلی با اشاره به عملکرد وزارت فرهنگ در حوزه حجاب، گفت: «در کشور حجاب اجباری نداریم، بلکه بی‌حجابی اجباری وجود دارد!» او وزارت فرهنگ را به ضعف در مدیریت فضای عفاف و حجاب متهم کرد و گفت: «خانواده‌ها برای خرید یک مانتو مناسب به زحمت افتاده‌اند، و این هم حاصل عملکرد وزارت فرهنگ است».

احمد راستینه گفت: بی‌توجهی و ترک فعل در خصوص وظایف اصلی وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی، بی‌توجهی به تعهدات وزارتخانه در قبال مناطق مختلف کشور و توزیع ناعادلانه امکانات و همچنین انتصابات خاص در این وزارتخانه از جمله سؤالاتی بود که فتح الله توسلی به نمایندگی از ۳۵ نفر از نمایندگان مطرح کرد و در نهایت بعد از عدم اقتناع نماینده سؤال کننده در جلسه کمیسیون از پاسخ‌های وزیر، گزارش این سؤال برای رسیدگی به صحن علنی ارسال شد.

حمیدرضا گودرزی، نماینده الیگودرز در تذکری در جریان این دستور، گفت که از آنجایی که صرفاً وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی در کشور مسئول امورات فرهنگی نیست، باید از سایر دستگاه‌های مربوطه نیز در این خصوص سؤال شود ضمن اینکه در حال حاضر مهم ترین موضوع بعد از جنگ باید رسیدگی به ناترازی‌ها و کمک به دولت در این خصوص باشد.

اما همه ماجرا به نگاه‌های فرهنگی خلاصه نمی‌شود. آنچه پشت پرده این فشارهاست، تلاشی هدفمند برای بی‌ثبات‌سازی دولت چهاردهم است. دولتی که از همان روزهای آغازین کار، با چالش‌هایی همچون استیضاح وزیر اقتصاد در آستانه نوروز و سؤال‌های پی در پی برخی وزرای کلیدی روبه‌رو شده است. عدم همراهی با رهنمودهای رهبر انقلاب در پرهیز از دخالت در انتصابات نیز وجه دیگری از رفتار این طیف از نمایندگان است. همانطور که رهبر انقلاب در خردادماه ۱۴۰۱ در دیدار با نمایندگان مجلس با لحنی صریح هشدار داده بودند: «اگر در منطقه‌ای با فشار نماینده‌ای مسئولی منصوب شود اما عملکرد او مطلوب نباشد، مشخص نیست باید از چه کسی بازخواست کرد». اما گویا برخی گوش شنوایی برای این هشدارها ندارند.

### از کمبود بودجه تا فریاد برای وفای ملی

در پاسخ به این موج از انتقادات، سیدعباس صالحی در سخنانی مفصل در صحن علنی مجلس حاضر شد. او با تأکید بر شرایط سخت وزارت فرهنگ در زمینه بودجه، گفت: اگر طالب برنامه‌های فرهنگی بیشتری هستیم و اگر باید تلاش کنیم که از فرهنگ به عنوان زیرساخت کشور و به تعبیر رهبری از هوای سالم کشور صیانت کنیم، حتماً بدون اعتبارات کافی، غیرممکن است و تبعاً همت‌های همه‌جانبه مجلس و دولت را می‌طلبد.

صالحی عنوان کرد که بودجه وزارت فرهنگ در سال ۱۴۰۳ حدود ۳۰۰۰ میلیارد تومان بوده که با افزایش ۵۰ درصدی به ۴۵۰۰ میلیارد تومان رسیده اما ۷۶ درصد آن صرف هزینه‌های پرسنی و صندوق اعتباری هنر شده است. او تأکید کرد که تنها ۲۴ درصد این بودجه برای فعالیت‌های فرهنگی باقی می‌ماند که تازه آن هم به طور کامل تخصیص نمی‌یابد.

وزیر فرهنگ در بخشی از دفاع خود، عملکرد وزارتخانه‌اش در جریان «جنگ ۱۲ روزه» را مورد توجه قرار داد و گفت: در این ایام، اصحاب فرهنگ و رسانه با تمام توان در کنار ملت بودند. اجرای کنسرت‌ها و برنامه‌های هنری ملی، مشارکت سینماگران و مواضع هنرمندان در برابر حملات رژیم صهیونیستی نشان داد، فرهنگ در خدمت وفاق ملی است.

او با اشاره به ساخت ده‌ها فیلم مستند، اجرای ارکستر سمفونیک در میدان آزادی و پوش‌های هنری و رسانه‌ای در این ایام، گفت: مسیر اصحاب فرهنگ و هنر، مسیر وفاق ملی است؛ همان‌طور که رهبری فرمودند، ملت با وزن‌های متفاوت فکری و ظاهری، پای ایران ایستادند.

صالحی همچنین در پاسخ به انتقادات درباره انتصابات گفت: تأکید وزارت فرهنگ بر این بوده که مسیر انتصابات از طریق فرآیندهای استعلام انجام شود و ما نیز جهت‌گیری کلی در نظام و دولت چهاردهم مسیر را دنبال خواهیم کرد.

لازم به ذکر است که صالحی در دفاعیه خود با ارائه آمار دقیق از وضعیت اعتبارات، پروژه‌های نیمه‌تمام و تلاش برای عدالت فرهنگی در استان‌ها کوشید، نشان دهد که وزارتخانه‌اش قربانی کم‌توجهی سیستماتیک به حوزه فرهنگ است. اما از آن سو، برخی نمایندگان با رویکردی شدیداً سیاسی و در مواردی غیرمستند، او را به بی‌کفایتی، بی‌توجهی به مبانی انقلاب و حتی خیانت فرهنگی متهم کردند.

### فرصت محدود بازسازی سیاسی کشور

صدور کارت زرد صالحی اگرچه به ظاهر یک اقدام نظارتی است اما در باطن نشانی از بی‌اعتنایی برخی نمایندگان به همان توصیه‌هایی است که بزرگان بارها بیان کرده‌اند. در نهایت، آنچه دیروز در مجلس رخ داد، بیش از آنکه نشانه ضعف وزیر فرهنگ یا ناکارآمدی دولت باشد، آینه‌ای تمام‌قد از بخشی از مجلسی است که هنوز نمی‌خواهد بپذیرد که کشور برای عبور از بحران‌هایش بیش از هر زمان نیازمند گفت‌وگو، همدلی و پرهیز از تفرقه است. به اعتقاد کارشناسان، کارت زردی که صادر شد، در واقع نه به وزیر بلکه به مسیر عقلانی اداره کشور بود. مسیری که در سایه تدریج‌های افراطیون هر روز باریک‌تر می‌شود. لذا پرسش اصلی در پایان این جدال سیاسی – فرهنگی آن است که آیا کارت زرد به وزیر فرهنگ واقعاً نشانه‌ای از نظارت مسئولانه مجلس بود یا تنها ابزاری برای تضعیف دولتی که هنوز فرصت چندانی برای بازسازی ساختار اجرایی کشور نداشته است؟



# مذاکرات در ابهام

## عراقچی علاوه بر واکنش به اظهارات اخیر ترامپ از عدم تنظیم تاریخ جدید برای مذاکره با آمریکا خبر داد

سیدعباس عراقچی، وزیر امور خارجه در مراسم بزرگداشت شهدای جنگ تحمیلی اخیر در حسینیه امام خمینی (ره) درباره هرگونه مذاکره جدید با ایالات متحده گفت که هنوز برنامه خاصی تنظیم نشده اما در هر صحنه‌ای از جمله صحنه مذاکرات که حاضر بشویم، هدف ما دفاع از خون شهدا و دفاع از آرمانی است که شهدا به خاطر آن شهید شدند.

### واکنش قاطع‌تر نشان می‌دهیم

این سخنان عراقچی در حالی مطرح می‌شود که او شامگاه دوشنبه در حساب کاربری خود در ایکس به اظهارات و تهدیدهای اخیر دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور ایالات متحده و اکنش نشان داده بود. وزیر خارجه کشورمان اعلام کرد ایران کشوری با فرهنگی غنی و ریشه‌دار در ۷ هزار سال تمدن، هرگز به زبان تهدید و ارعاب پاسخ نخواهد داد. ایرانیان هرگز برابر بیگانگان سر خم نکرده‌اند و تنها به احترام پاسخ می‌دهند.

وزیر امور خارجه جمهوری اسلامی ایران تصریح کرد که ایران دقیقاً می‌داند در جریان تجاوز اخیر آمریکایی - اسرائیلی چه بر سر ما و چه بر سر دشمنانمان آمده است از جمله میزان ضرباتی

که هنوز سانسور می‌شوند. اگر این تجاوز تکرار شود بدون تردید واکنشی قاطع‌تر نشان خواهیم داد؛ واکنشی که دیگر امکان پنهان کردنش وجود نخواهد داشت. وی گفت که بیش از یک میلیون ایرانی به رادیوایزوتوپ‌های پزشکی نیاز دارند که توسط راکتور تحقیقاتی تهران تولید می‌شوند؛ راکتوری که آمریکا سازنده آن بود و با اورانیوم ۲۰ درصد غنی شده کار می‌کند. ایران همچنین برای تأمین سوخت راکتورهای نوپای هسته‌ای خود نیازمند غنی‌سازی است، رئیس دستگاه دیپلماسی خاطر نشان کرد که هیچ انسان عاقلی حاضر نیست، ثمره سرمایه‌گذاری عظیم در فناوری بومی و صلح‌آمیز خود را که با نجات جان انسان‌ها سروکار دارد، تنها به‌خاطر خواسته زورگویان خارجی کنار بگذارد. عراقچی همچنین تأکید کرد که بمباران غیرقانونی اخیر تأسیسات هسته‌ای ایران، آنچه که همیشه گفته‌ایم را ثابت کرد که هیچ «راحل نظامی» وجود ندارد. اگر نگرانی‌هایی درباره احتمال انحراف برنامه هسته‌ای ما به اهداف غیرصلح‌آمیز وجود داشته باشد، گزینه نظامی ناکارآمدی خود را نشان داد اما شاید یک راه‌حل مذاکره شده، کار کند.

او اظهار کرد که همگان باید بدانند که ما ایرانیان برنامه هسته‌ای صلح‌آمیز خود را نخریده‌ایم؛ بلکه با عرق جبین و اشک

و خون خود پدید آورده‌ایم، فناوری و دانش فنی که نیروی انسانی توانا و شگفت‌انگیز ما به آن دست یافته است با بمباران قابل نابودی نیست، بله، تأسیسات غنی‌سازی ما به شدت آسیب دیده است اما عزم و اراده ما نه.

### رد ادعای دخالت در مذاکرات آتش‌بس غزه

به موازات واکنش عراقچی به اظهارات ترامپ باید توجه کرد که رئیس‌جمهور ایالات متحده در بخشی از سخنانش مدعی شده بود که ایران در مذاکرات آتش‌بس غزه دخالت می‌کند که اسماعیل بقایی، سخنگوی وزارت خارجه این ادعا را رد کرد. او در این خصوص اعلام کرد که مذاکره‌کنندگان حماس خود

### جهان

## راه‌حل دو دولتی

### غرب و کشورهای منطقه در سازمان ملل چه مواضعی درباره تشکیل دولت مستقل فلسطینی داشتند؟

#### فرشاد گلزاری

گروه بین‌الملل

کنفرانس بین‌المللی در مورد راه‌حل دودولتی در مقر سازمان ملل واقع در نیویورک صبح دوشنبه (به وقت محلی) طبق قطعنامه مجمع عمومی سازمان ملل متحد در تاریخ ۳ دسامبر ۲۰۲۴ با عنوان «حل و فصل مسألمت‌آمیز مسأله فلسطین» توسط فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان سعودی و ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه که هر دو رئیس مشترک کنفرانس بودند، شروع به کار کرد. منابع مطبوعاتی اعلام کردند که این کنفرانس ممکن است تا چهارشنبه ادامه داشته باشد و بیش از ۱۰۰ نماینده و وزیر امور خارجه در مورد مواضع کشورهای خود در مورد کنفرانس و اجرای راه‌حل دودولتی در مجمع عمومی سخنرانی خواهند کرد. با این تفاسیر نگاه به مواضع و سخنان نمایندگان و وزرای خارجه کشورهای حاضر و غایب در این کنفرانس به خوبی نشان می‌دهد که اختلافاتی درخصوص مسأله دودولتی در مقیاس جهانی وجود دارد.

#### غیبت آمریکا

نکته مهم در مورد کنفرانس بین‌المللی فلسطین و بررسی راه‌حل دودولتی این بود که ایالات متحده به عنوان غایب اصلی این رویداد جهانی محسوب می‌شد. تمی بروس، سخنگوی وزارت امور خارجه آمریکا با انتقاد از این کنفرانس، آن را غیرسازنده و نامناسب خواند و ادعا کرد که جنگ را طولانی‌تر و حماس را جسورتر می‌کند.

او همچنین کنفرانس راه‌حل دودولتی را کشتگری غیرسازنده و ناپهنگام قلمداد کرد که دیپلماسی جاری را تضعیف می‌کند. سخنگوی سستگاه دیپلماسی ایالات متحده گفت که این کنفرانس یک نمایش تبلیغاتی است که در بوجوه تلاش‌های دیپلماتیک حساس برای پایان دادن به درگیری رخ می‌دهد. تمی بروس همچنین گفت که ایالات متحده در این کنفرانس شرکت نکرد و مدعی شد که برگزارکنندگان چنین رویدادی در حال سیلی زدن به صورت قربانیان ۷ اکتبر و پاداش دادن به تروریسم هستند.

#### بارو: هیچ جایگزینی وجود ندارد

ژان نوئل بارو، وزیر خارجه فرانسه که یکی از دو رئیس این کنفرانس به حساب می‌آمد با بیان اینکه ۱۲۵ کشور در این کنفرانس

حضور دارند و ۵۰ کشور در سطح وزیر خارجه در آن شرکت کردند، اعلام کرد که فقط یک راه‌حل سیاسی دودولتی به برآورده کردن آرمان‌های مشروع اسرائیلی‌ها و فلسطینی‌ها برای زندگی در صلح و امنیت کمک خواهد کرد و هیچ جایگزینی برای آن وجود ندارد. او همچنین گفت که وضعیت غزه فراتر از حد بحرانی تصور است و پس از کنفرانس، ما یک چشم‌انداز مشترک برای آینده غزه اتخاذ خواهیم کرد؛ چراکه نشست سازمان ملل گامی سرنوشت‌ساز در عملی کردن راهکار دودولتی است. بارو در بخشی از سخنان خود گفت که یکی از اهداف کنفرانس، اخذ تعهدات عملی از کشورهای اروپایی است که قصد خود را برای به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین اعلام کرده‌اند و تصمیم ما برای به‌رسمیت شناختن کشور فلسطین احتمالاً کشورهای بیشتری را در ماه سپتامبر به این اقدام سوق می‌دهد. او از کمیسیون اروپا خواست تا از اسرائیل بخواهد، محاصره مالی ۲ میلیارد یورویی که به گفته، او اسرائیل به تشکیلات



خودگردان فلسطین بدهکار است، لغو کند، شهرک‌سازی در کرانه باختری را که تمامیت ارضی یک کشور آینده فلسطینی را تهدید می‌کند، متوقف کرده و به مکانیسم نظامی تحویل غذا در غزه توسط بنیاد بشردوستانه غزه ایالات متحده که توسط اسرائیل حمایت می‌شود و منجر به صدها کشته شده است، پایان دهد.

#### عربستان، فلسطین و عادی‌سازی با اسرائیل

از سوی دیگر سخنان فیصل بن فرحان، وزیر خارجه عربستان سعودی که به عنوان یکی از روسای مشترک کنفرانس (در کنار فرانسه) به حساب می‌آمد هم مجدداً توجه بسیاری از رسانه‌ها را به خود جلب کرد. او اعلام کرد که عربستان سعودی معتقد است

دستیابی به امنیت، ثبات و رفاه در منطقه با عدالت برای مردم فلسطین و توانایی آنها در دستیابی به حقوق مشروع خود آغاز می‌شود؛ اما این صرفاً یک موضع سیاسی نیست بلکه مبتنی بر اعتقاد راسخ است مبنی بر اینکه یک کشور مستقل فلسطینی کلید صلح در منطقه خواهد بود. او همچنین در بخشی از سخنان خود تصریح کرد که عربستان با همکاری فرانسه، تلاش‌هایی را برای جلب موافقت بانک جهانی برای انتقال ۳۰۰ میلیون دلار به غزه و کرانه باختری آغاز کرده است. او ضمن محکوم کردن فاجعه انسانی در غزه که ناشی از تجاوزات اسرائیل است، گفت که عادی‌سازی روابط با اسرائیل منوط به تشکیل کشور مستقل فلسطینی خواهد بود و مادامی که جنگ در غزه متوقف نشود از عادی‌سازی خبری نیست.

#### گوترش: در نقطه شکست هستیم

در این راستا اما آنتونیو گوترش، دبیرکل سازمان ملل متحد نظر دیگری نسبت به راه‌حل دودولتی ارائه داد و گفت که معتقد است، روند صلح بین اسرائیل و فلسطینیان نزدیک به فروپاشی بوده و راه‌حل دودولتی، چشم‌اندازی دورتر از همیشه است. او همچنین اعلام کرد که حقیقت این است ما در نقطه شکست هستیم اما اگر اراده سیاسی و رهبری شجاعانه‌ای وجود داشته باشد این درگیری قابل حل خواهد بود.

#### تاکید کانادا بر ثبات خاورمیانه

آنتیا آناند، وزیر امور خارجه کانادا هم که از جمله حاضران در این کنفرانس بود، در سخنرانی خود گفت که کانادا همچنان قاطعانه به راهکار دودولتی (یک کشور فلسطینی مستقل، پایدار و دارای حاکمیت که در کنار اسرائیل در صلح و امنیت زندگی کند) متعهد است؛ چراکه آن را برای ثبات و صلح بلندمدت در خاورمیانه ضروری می‌داند.

محمدبن عبدالرحمان آل ثانی وزیر امور خارجه قطر، طارق متری معاون نخست‌وزیر لبنان، محمد اسحاق‌دار وزیر خارجه پاکستان، محمد مصطفی نخست‌وزیر تشکیلات خودگردان فلسطین، دیوراوکا شویکا کمیسر اروپا در امور مدترانه، امر هیگینز وزیر مشاور در وزارت هزینه‌های عمومی ایرلند، بدر عبدالعاطی وزیر خارجه مصر، مانورو ویرا وزیر خارجه برزیل، نوح ییلماز معاون وزیر امور خارجه ترکیه، ایمین‌الفقدی وزیر خارجه اردن و... از جمله شرکت‌کنندگان در این کنفرانس بودند که از طرح دودولتی حمایت کردند.



به شایسته‌ترین وجه مصالح مردم غزه را تشخیص داده و دنبال می‌کنند و نیازی به مداخله طرف‌های ثالث در این زمینه ندارند. به گزارش ایرنا، سخنگوی دستگاه دیپلماسی ادعای مداخله ایران در مذاکرات مربوطه را مطلقاً بی‌اساس دانست و تأکید کرد چنین ادعاهایی نوعی فرافکنی و فرار از مسئولیت و پاسخگویی نسبت به مشارکت آمریکا در جنایات ارتكابی رژیم صهیونیستی علیه ملت فلسطین از جمله کشتار ۶۰ هزار انسان بی‌گناه شامل زنان و کودکان و تشدید محاصره نوار غزه در ماه‌های اخیر و جلوگیری از ورود کمک‌های بشردوستانه به این باریکه و کشتار غیرنظامیان گرسنه و تشنه در تله‌های مسرک در مراکز به‌اصطلاح توزیع کمک‌هاست که توسط یک شرکت آمریکایی ایجاد شده است.

### آمریکا

#### تحت تعقیب

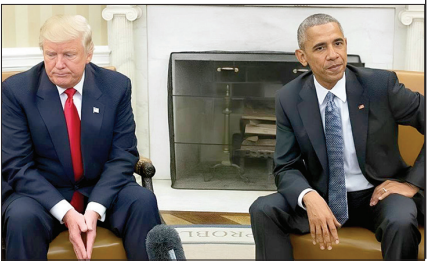
چرا «اسیا» به دنبال پیگرد قضایی تیم امنیت ملی دولت او‌بامااست؟

جان راتکلیف، مدیر سازمان اطلاعات مرکزی آمریکا (سیا) با اشاره به ارزیابی‌های اخیر مقام‌های دولت دونالد ترامپ، رئیس‌جمهور آمریکا مبنی بر اینکه مقام‌های دولت باراک او‌باما، رئیس‌جمهور اسبق ایالات متحده ادعای مداخله روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ را مستمسک برخورد با ترامپ قرار دادند گفت که احتمالاً برخی از مقام‌های دولت او‌باما از جمله هیلاری کلینتون، رقیب دموکرات ترامپ در انتخابات ۲۰۱۶ با کیفرخواست یا پیگرد قضایی روبرو می‌شوند. راتکلیف همچنین گفت که جان برنان، مدیر اسبق سیا در دولت او‌باما، جیمز کلایر، مدیر اسبق اداره اطلاعات ملی آمریکا در این دولت و همچنین جیمز کومی، مدیر اسبق اف.بی.آی در دولت او‌باما احتمالاً همگی با اتهاماتی پیرامون پیشبرد یک «حقه انتخاباتی» مواجه خواهند شد.

راتکلیف گفته است که بعد از انتشار مجموعه اسناد و گزارش اطلاعاتی جدید از سوی تולسی گابارد، مدیر فعلی اداره اطلاعات ملی آمریکا درباره دسیسه «راشاگیت» از سوی مقامات دولت او‌باما علیه ترامپ موضوع را به وزارت دادگستری آمریکا ارجاع داده است. او می‌گوید «من و گابارد، مدیر اطلاعات ملی، مسأله را به وزارت دادگستری ارجاع دادیم. ما ارائه اطلاعات را ادامه داده تا وزارت دادگستری آمریکا بتواند با انصاف و عدالت با آنهایی که این حق را علیه مردم آمریکا به کار بردند و این لکه ننگ را در کشور ما به وجود آوردند، برخورد کند».

هر چند این اسناد اطلاعات جدید چندانی درباره ادعاهای مربوط به مداخله روسیه در انتخابات ریاست جمهوری ۲۰۱۶ آمریکا مطرح نمی‌سازند اما جمهوری‌خواهان ادعا کردند که هدف از تحقیقات اطلاعاتی «راشاگیت» تردیدافکنی درباره پیروزی ترامپ در انتخابات بود.

منبع: هیل





## سفری به اعماق روان قهرمان

پشت پرده داستان نقطه عطفی در هنر فیلمنامه‌نویسی است



در آغاز سیدفیلد بود، سپس مک‌کی و وگلر و اکنون دارا مارکس. در دنیای پرشتاب سینما، آن‌جا که فیلم‌نامه‌ها همچون اسکلت‌هایی جان‌دار بر پرده جان می‌گیرند، پرسشی بنیادین همواره باقی است: چه چیزی یک داستان را ماندگار می‌کند؟ پاسخ این پرسش را باید در میان سطرهای یکی از درخشان‌ترین آثار نظری در فیلم‌نامه‌نویسی معاصر جست؛ کتابی که نه‌فقط راهنماست بلکه نقشه‌ای روان‌درمان‌گر برای خلق داستان‌های اصیل و تأثیرگذار به شمار می‌آید.

کتاب «پشت پرده داستان» اثر دارا مارکس که در زبان اصلی با عنوان Inside Story شناخته می‌شود، در زمرهٔ آن دسته از آثار نادری است که مرز میان هنر، روان‌شناسی و روایت را از میان برمی‌دارد و نویسنده را به ژرف‌ترین لایه‌های شخصیت‌پردازی می‌برد. اما پیش از آن‌که به دستاوردهای ستרג مارکس بپردازیم، باید گام‌به‌گام، ردپای تاریخچه فیلمنامه‌نویسی نوین را مرور کنیم؛ حوزه‌ای که تنها در چند دهه‌ی اخیر از دل تجربه‌های عملی و کارگاه‌های آموزشی زاده شد سپس آرام‌آرام در بستر

نظریه‌پردازی بالید.

دههٔ ۱۹۷۰ با طلوع کتاب «راهنمای فیلم‌نامه‌نویسی» نوشتهٔ سیدفیلد، آغاز دوران تازه‌ای بود. فیلد با معرفی مدل ساختاری سه‌پرده‌ای (آغاز، میانه، پایان)، فیلم‌نامه را از دل ابهام هنری به ساختاری آموزش‌پذیر و نظام‌مند رساند. او نخستین کسی بود که نشان داد در دل هر فیلم موفق، نظم‌ی پنهان اما قابل شناسایی وجود دارد؛ نظم‌ی که می‌توان آن را آموخت، آرمود و بازآفرینی کرد. در ادامه، نسل دوم نظریه‌پردازان

فیلم‌نامه‌نویسی پا به میدان گذاشتند. رابرت مک‌کی با کتاب وزین «داستان»، ساختار را از صرف فرم بیرونی فراتر برد و به ژرفای درون‌مایه، تعلیق، اخلاق و انتخاب رساند. او به داستان بُعدی فلسفی بخشید و نشان داد چگونه کشمکش فقط رخدادی بیرونی نیست بلکه تصمیمی اخلاقی در قلب شخصیت است. هم‌زمان، کریستوفر وگلر با الهام از آموزه‌های جوزف کمپبل در کتاب «قهرمان هزارچهره» دست به نگارش کتاب «سفر نویسنده» زد و روایت را در قاب اسطوره و ناخودآگاه جمعی بازشناسی کرد. او ثابت کرد بن‌مایه‌های کهن، هنوز هم در روایت‌های مدرن زنده‌اند، و داستان قهرمان، تکراری ابدی از سیر انسان برای شناخت خویشتن است اما با همهٔ این پیشرفت‌ها، هنوز چیزی کم بود؛ حلقه‌ای مفقوده که درون شخصیت را به روایتی دراماتیک بدل کند و سرانجام، این دارا مارکس بود که با کتاب «درون داستان»، آن گمشده را بازیافت؛ همان حلقه‌ای که فیلد، مک‌کی و وگلر با همهٔ بزرگی‌شان، آن را ناتمام گذاشته بودند. مارکس با دقتی روان‌کاوانه و زیبایی ساده اما عمیق، نظریه‌ای بنیادین را در دل فیلم‌نامه‌نویسی وارد کرد: تحول درونی شخصیت، نیروی محرکهٔ اصلی روایت است. از نگاه، او داستانی که فقط به کشش، هدف و مانع متکی باشد، در بهترین حالت سرگرم‌کننده است اما اگر قرار باشد دردل و ذهن مخاطب ماندگار شود باید بر محور دگرگونی شخصیت استوار شود. قهرمان داستان نه‌فقط با جهان بیرون،

## کافه

تازه‌های ادب و هنر

# نویسندگان کارگری در محاق

روایت پت بارکر از دنیای نویسندگی و جوایز ادبی

بریتانیا» نشریهٔ گرتا رساند اما بارکر هنوز خود را بخشی از جریان اصلی نمی‌بیند و نوشتن دربارهٔ واقعیات عریان را تا حدی «غیرادبی» تلقی می‌کند. به گفتهٔ بارکر، محور بسیاری از آثارش بازی میان تروما و حافظه است اما از برجسب‌زنی مضمون‌ها بر آثارش پرهیز دارد و ترجیح می‌دهد، گاه خود نیز غافل گیر شود و اجازه ندهد خواننده همه چیز را از ابتدا بداند.

نویسندگان عمیقاً تنها و بی‌نانه

شاید برجسته‌ترین اثر او، سه‌گانه «احیا» باشد؛ پروژه‌ای که قرار نبود دنباله‌دار شود اما با پایان یافتن جلد نخست، نویسنده دریافت که شخصیت‌ها هنوز در میانه راه‌اند. در این سه‌گانه از قهرمان‌های رمانتیک خبری نیست. صحنه‌های جنگ کم‌رنگ هستند و به جای آن، روان آدم‌هاست که زیر بار مصیبت و جراحت، فرو می‌ریزد. بیلی پرایر و ویلیام ریورز، دو راوی اصلی رمان‌اند؛ اولی سربازی با شوک عصبی و اختلال گفتار و دومی روان‌پزشکی جدی و کم‌حرف که به‌تدریج دنیای درونی‌اش بر خواننده گشوده می‌شود. بارکر با هوشمندی، تجربه‌های متنوع را کنار روایت‌های مستند قرار می‌دهد تا مرز بین خیال و واقعیت جابه‌جا شود.

آفرینش بخشی مانند سفرنامه‌های ریورز در جزایر اقیانوسیه یا وارد کردن خاطرات اول‌شخص بیلی، نه‌تنها ساختار رمان را متحول می‌کند بلکه امکانی تازه برای پردازش لایه‌های شخصیتی آن‌ها به دست می‌دهد. به گفتهٔ خود او، پس از چند فصل سرر و کله زدن با ذهن آشفتهٔ بیلی، همیشه از بازگشت به منطق و آرامش ذهنی ریورز نفس راحتی می‌کشید. با این‌که موفقیت سه‌گانه و دریافت جایزهٔ بوکر جای بحثی باقی نگذاشت، بارکر اکنون نسبت به آن لحظه، با تردید نگاه می‌کند: «نه، خوشحال نبودم. با شکست خیلی راحت‌تر کنار می‌آمدم. موفقیت بار مسئولیت سنگینی دارد؛ انگار ناگهان باید دوباره خودت را اثبات کنی.» او افسوس می‌خورد که نویسندگان جوان امروز باید خیلی زود، با موجی از هيجان و موفقیت دیده شوند، وگرنه استعدادشان از میان می‌رود.

۳۰ سال از شبی که پت بارکر بابت رمان «جادهٔ ارواح» جایزهٔ بوکر را دریافت کرد می‌گذرد اما صراحت و دغدغه‌های او در گفت‌وگوها هم‌چنان تازه و قابل تأمل است. به گزارش ایننا بارکر، نویسنده‌ای که همواره خود و جهاننش را غافل گیر می‌کند، در گفت‌وگو با «بوک‌پریزر» اعتراف می‌کند: «پیش‌نویس اول هر رمانم، شبیه یک اشتباه تایپی بلند است؛ صرفاً با سرعت می‌نویسم و گاهی ناگهان چیزهایی می‌نویسم که خودم هم از وجودشان در ذهنم خبر نداشتم.» به باور او، همین لحظات است که به این حرفه معنا می‌بخشد.

روایت زخم‌های روزمره زنان

صدای بارکر از خانه‌اش در کانتی دورهام به گوش می‌رسد اما دنیای روایت او جایی میان حاشیهٔ شمال انگلستان و جبهه‌های جنگ جهانی اول در نوسان است. او سال‌ها پیش با رمان‌هایی چون «یونیون استریت» و «خانه‌ات را منفجر کن» به ادبیات وارد شد؛ آثاری که بی‌پروا زخم‌های روزمره زنان طبقهٔ کارگر را به صفحه آوردند: تجاوز، فقر، خشونت و دردی که هر روز تکرار می‌شود. با این حال، نویسنده می‌داند که گاهی لازم است، عقب بنشیند و همه چیز را به تخیل خواننده بسپارد: «در رمان اولم، صحنهٔ تجاوز عیناً وجود ندارد؛ تنها یک وقفه روایی است و باقی را ذهن خواننده می‌سازد و همین مؤثرتر از هر توصیف مستقیم است.»

کنار گذاشتن قواعد ناگفتهٔ ادبیات بورژوازی

بارکر چندان اهل ستایش از خود نیست اما به انرژی خام و تپنده رمان‌های اولیه‌اش اذعان دارد. گرچه، مانند بسیاری دیگر، معتقد است این انرژی همیشه در مسیر درستی صرف نشده است. پیدا کردن صدای خود، سال‌ها زمان برد اما نقطهٔ عطف، آشنایی با آنجلا کارتر بود که به او جسارت داد تا قواعد ناگفتهٔ ادبیات بورژوازی را کنار بگذارد و روایت طبقهٔ خودش را بنویسد. همین انتخاب، خیلی زود، او را به جمع «بهترین نویسندگان جوان

فیلم‌مستند

# ترجیح سلبریتی کره‌ای به وطنی

مستند کی‌پاپ وجود کانون‌های هواداری محصولات کره‌ای را به نمایش در می‌آورد

معناجویی‌اند. تماشای این مستند، فرصتی ارزشمند است تا بدون داوری و فاصله به دغدغه‌ها و احساسات فرزندان‌تان نزدیک‌تر شوید. به‌جای برخورد از موضع بالا یا نگران شدن بی‌بشوتانه، می‌توان با گفت‌وگو، شنیدن فعال و پرسش‌های همدلانه، پلی میان

مستند «کی‌پاپ» به بررسی پدیده هواداری از موسیقی پاپ کره‌ای (کی‌پاپ) در ایران و تأثیر آن بر نوجوانان و جوانان می‌پردازد. این مستند با هدف ایجاد درک و همدلی بین نوجوانان و خانواده‌هایشان در مورد این پدیده فرهنگی ساخته شده است.

در واقع این مستند تلاش سینمای مستند ایران برای گفت‌وگو با نسل نوجوان در بستر پدیده‌ای فرامرزی و فرهنگی است؛ موسیقی پاپ کره‌ای (K-POP). این مستند که برای اولین بار در جشنواره سینما حقیقت به نمایش گذاشته شد توسط علی کوثری کارگردانی و محمدحسین جعفریان تهیه شده و با نگاهی جامعه‌شناسانه و فرهنگی به بررسی محبوبیت موج هالیو (موج سبک زندگی کره‌ای) می‌پردازد. در جهانی که نوجوان‌ها بیشتر با تلفن همراه حرف می‌زنند تا با والدین، این مستند می‌تواند پلی باشد برای شنیدن صدای آنها. این اثر با توجه به مضمون و محتوای ارائه شده در آن می‌تواند برای والدین، معلمان و فعالان حوزه نوجوان اثری قابل تأمل باشد.

مستند «کی‌پاپ» به کارگردانی علی کوثری، تنها یک روایت از یک سبک موسیقی نیست؛ بلکه تلاشی است برای شنیدن صدای نوجوانان امروز در جهانی که رسانه‌ها و فرهنگ جهانی، نقش مهمی در شکل‌گیری هویت‌شان ایفا می‌کنند.

مستند «کی‌پاپ» برخلاف بسیاری از آثار رسمی یا رسانه‌ای که کی‌پاپ را پدیده‌ای سطحی یا تهدیدآمیز تصویر می‌کنند، با نگاهی نزدیک، بدون پیش‌داوری و از زبان خود نوجوانان، به بررسی دلایل علاقه آن‌ها به گروه‌هایی چون BTS یا EXO می‌پردازد. این مستند با نگاهی بی‌واسطه به نوجوانان و جوانانی که هوادار موسیقی پاپ کره‌ای هستند، می‌کوشد به والدین و بزرگ‌ترها نشان دهد که دلبستگی‌های نسل جدید صرفاً «سرگرمی‌های بی‌ارزش» نیستند بلکه در بسیاری از مواقع، نشانه‌ای از نیاز به دیده شدن، تعلق و







## فرار از فیلترهای جعلی

**جیمی لی کرتیس به از بین بردن ظاهر طبیعی انسان‌ها اعتراض کرد**

فشاری که زنان برای تغییر خود احساس می‌کنند، انتقاد کند. دو ماه پیش، او به برنامه ۶۰ دقیقه گفت که یک بار در ۲۵ سالگی پس از یک اظهارنظر تحقیرآمیز درباره ظاهرش، جراحی پلاستیک انجام داده و بلافاصله پشیمان شده و از آن زمان تاکنون نیز پشیمان بوده است.

این بازیگر درباره انتخاب این گزینه گفت: لب‌های مومی، بیابیه من علیه جراحی پلاستیک است. من در مورد نسل‌کشی نسلی از زنان توسط مجتمع صنعتی آرایشی و بهداشتی که موجب شده خود را از شکل بیندازند، بسیار صریح بوده‌ام.

وی در دفاع از استفاده‌اش از کلمه «نسل‌کشی» عنوان کرد: من مدت‌هاست از این کلمه استفاده می‌کنم و مخصوصاً به این دلیل از آن استفاده می‌کنم که کلمه سنگینی است. اینکه شما می‌توانید از طریق مواد شیمیایی، روش‌های جراحی و پرکننده‌ها، ظاهر خود را تغییر دهید به معنی تغییر قیافه نسل‌هایی از زنان است که دچار ظاهری نازیبا شده‌اند.

چندی پیش کرتیس به دلیل انتشار تبلیغی جعلی از او به سراغ مدیر «متا» رفت و درخواست کرد که این شرکت یک تبلیغ تولید شده توسط هوش مصنوعی که با حضور او ساخته شده بود را حذف کند. وی از این فیلم تبلیغی به عنوان مزخرفاتی که اجازه، موافقت یا تأیید آنها را نداده بود، یاد کرد. اندکی پس از آنکه او درخواست خود را در اینستاگرام خطاب به مارک زاکربرگ، مدیرعامل «متا» منتشر کرد، یکی از نمایندگان شرکت اعلام کرد که تبلیغات جعلی را حذف کرده است.

کرتیس چیزی درباره تبلیغ جعلی تولید شده توسط هوش مصنوعی نگفت اما گفت که از فیلم مصاحبه‌ای که او برای آتش‌سوزی‌های ویرانگر در منطقه لس‌آنجلس در اوایل امسال انجام داده بود، استفاده شده است. این بازیگر، تهیه‌کننده و کارگردان نوشت: اگر من تبلیغ‌کننده برندی باشم، علاوه بر اینکه بازیگر و نویسنده و مدافع آن هستم به خاطر گفتن حقیقت و بیان آن به همان شکلی که هست و به خاطر داشتن صداقت شناخته می‌شوم. استفاده از فیلمی که از مصاحبه‌ای در طول آتش‌سوزی‌ها انجام دادم، ساخته شده و کلمات جدید و جعلی که در دهانم گذاشته می‌شود، فرصت من برای بیان آنچه که از نظر حقیقت واقعی است را کاهش می‌دهد.

این بازیگر چند ماه پیش اعلام کرد، حساب کاربری خود در ایکس (تویتر سابق) که متعلق به ایلان ماسک است را غیرفعال کرده است. وی دعای آرامشی را با این جمله نوشته بود: خدایا، به من آرامشی عطا کن تا چیزهایی که نمی‌توانم تغییر دهم را بپذیرم و به من شجاعتی برای تغییر چیزهایی که می‌توانم تغییر دهم و خردی برای درک تفاوت بده. کرتیس ۶۶ ساله در فیلم‌هایی از جمله مجموعه فیلم‌های ترسناک «هالووین»، «دروغ‌های حقیقی» و «همه چیز همه جا، به یک باره» بازی کرده و برای فیلم آخر جایزه اسکار بهترین بازیگر نقش مکمل زن را دریافت کرد. او در فیلم «جمعه عجیب‌تر» دیزنی، که دنباله‌ای بر فیلم کم‌دی سال ۲۰۰۳ است، با لیندسی لوهان نقش‌آفرینی کرده است. این فیلم قرار است ۱۸ آگوست ۲۰۲۵ به سینماها بیاید.

جیمی‌لی کرتیس، بازیگر برنده جایزه اسکار درباره بازی‌نشستگی و مشکل پیری در هالیوود و به طور مشخص در مورد والدینش که نمادهای این صنعت بودند، صحبت کرد.

بازیگر ۶۶ ساله آمریکایی اعتراف کرده که نگران کنار گذاشته شدنش توسط صنعت سینما در سال‌های پایانی عمرش است. جیمی‌لی کرتیس که گفته نمی‌خواهد مانند والدین مشهورش، جنت‌لی و تونی کرتیس کنار گذاشته شود، گفت از مدتی پیش یک برنامه بازی‌نشستگی دارد تا بتواند «قبل از اینکه دیگر دعوت نشود، از مهمانی بیرون بیاید».

وی به روزنامه گاردین گفت: من شاهد بودم که صنعت سینما والدینم را در سن خاصی رد کرد و آنها همه چیزی که به آنها شهرت و زندگی و درآمدشان را داده بود از دست دادند.

وی گفت که شاهد موفقیت باورنکردنی هر دوی آنها بود و بعد به آرامی دید که آنها چطور فرسایش یافتند و به جایی رسیدند که دیگر از دست رفتند و این بسیار دردناک است.

بازیگر برنده اسکار درباره برنامه‌اش افزود: ۳۰ سال است که دارم خودم را بازی‌نشسته می‌کنم. در حال آماده شدن برای رفتن هستم تا مجبور نباشم همان رنجی که خانواده‌ام متحمل شدند را تحمل کنم. می‌خواهم قبل از اینکه دیگر دعوت نشوم، مهمانی را ترک کنم.

کرتیس در این مصاحبه همچنین مخالفت خود را با سلبریتی‌هایی که از جراحی زیبایی، فیلرها و هوش مصنوعی برای حفظ ظاهر جوان خود استفاده می‌کنند، ابراز کرد.

بازیگر فیلم «هالووین»، رفتار دنیای سرگرمی با بازیگران مسن‌تر، به ویژه زنان، را به شدت مورد انتقاد قرار داد و گفت: من معتقدم ما یک یا دو نسل اخیر، ظاهر طبیعی انسان را از بین برده‌ایم. این مفهوم که می‌توانی نحوه نگاه خود را از طریق مواد شیمیایی، روش‌های جراحی و پرکننده‌ها تغییردهی موجب شده تا زنان تلاش کنند، ظاهر خود را تغییر دهند و بدشکل شوند و این توسط هوش مصنوعی کمک و تقویت می‌شود زیرا اکنون چهره فیلتر شده چیزی است که مردم می‌خواهند اما من الان فیلترشده نیستم.

به محض اینکه فیلتری را روی صورتم می‌گذارم و قبل و بعد را می‌بینید، سخت است که قبول نکنم که این بهتر به نظر می‌رسد، اما چه چیزی بهتر است؟ این بهتر جعلی است. وی افزود: نمونه‌های زیادی وجود دارد که من از آنها نام نمی‌برم اما تن به این امر داده‌اند چون از طریق رسانه‌ها با هجوم زیادی مواجه شده‌اند.

کرتیس پیش از این اعتراف کرده بود که بسیار شبیه مادر بازیگرش است که سال ۲۰۰۴ در ۷۷ سالگی درگذشت. وی با این حال یادآوری کرده که مادرش ظاهر او را در برخی از نقش‌های سینمایی‌اش تأیید نمی‌کرد ولی او سعی کرده تا مادرش نباشد؛ هرچند البته از بسیاری جهات بسیار شبیه مادرش است.

وی همچنین لب‌های پلاستیکی بزرگی را به لب‌هایش چسباند تا از افزایش جراحی زیبایی در سال‌های اخیر و



ایده‌های ذهنی‌اش سوق داد؛ شروعی که در ابتدا چندان هم با بخت و اقبال همراه نبود. رمان‌های ابتدایی پت بارکر هیچ‌وقت شناس پذیرش و انتشار توسط ناشری را پیدا نکرد. باین حال هیچ‌چیز جلودار ذوق ادبی او که از کودکی همراهش بود، نشد. انتشار اولین نوشته پذیرفته‌شده بارکر هم‌زمان بود با ورود او به دهه چهارم زندگی؛ هفت داستان به‌هم پیوسته که درد زنان کارگر در انگلستان و ظلم و خشونت موجود در جامعه را به چالش می‌کشید. «خیابان اتحادیه (Union Street)» اولین نوشته بارکر، نقد‌های مثبتی را از جامعه ادبی آن روز بریتانیا و جریان‌های فمینیستی دریافت کرد و زمینه‌ساز نوشتن دو رمان بعدی او، یعنی «خانه خود را خراب کنید (Blow Your House Down)» و «انگلستان لیزا (Liza's England)» با مضمون جامعه کارگری زنان انگلستان شد. پت بارکر هم‌چنان نویسنده‌ای فعال و پردغدغه است و تاکنون و در آغاز ورود به ۸۰ سالگی خود بیش از ۱۵ اثر خواندنی را با مخاطبان جهانی خود به اشتراک گذاشته. پت بارکر را می‌توان از مهم‌ترین و تأثیرگذارترین رمان‌نویسان انگلیسی معاصر دانست. البته آثار این نویسنده بزرگ همچنان در ایران و بازار نشر و ترجمه فارسی جای شناخت زیادی دارد. با این وجود، ترجمه کتاب «سکوت دختران» و ترجمه داستان کوتاه بارکر در مجموعه «سامسای عاشق»، چنان با استقبال خوانندگان مواجه شده که می‌توان امید زیادی به ترجمه آثار بعدی این نویسنده داشت.

موضوعات چالش ذهنی نوجوانان است؟ اینکه خواننده در موسیقی پس از چندین سال همچنان درگیر شخصی است که رفته، آیا واقعاً مناسب نسل نوجوان است؟

علی کوثری، کارگردان این فیلم در باره چگونگی شکل‌گیری ساخت این مستند می‌گوید: در دوران بچگی تا نوجوانی صرفاً از روی علاقه فیلم‌های کراهی را تماشا می‌کردم اما وقتی به دانشگاه رسیدم تازه متوجه شدم، فضای فیلم و حتی موسیقی کراهی‌ها فراتر از یک سرگرمی در بین نسل جدید است، برای اولین بار در دانشگاه با کانون هواداران کی‌پاپ و BTS (گروه‌های موسیقی کراهی) آشنا و متوجه شدم، سلبریتی‌های کراهی در ایران دارای هواداران بی‌شماری هستند.

این کارگردان با بیان اینکه همگیری و طرفداری از این محصولات تبدیل به جریان پیچیده‌ای شده، تأکید می‌کند: «هرچه بیشتر در موضوع هواداری از کراهی‌ها وارد می‌شدم، تازه متوجه می‌شدم که خیلی موضوع پیچیده‌تر از چیزی است که من فکر می‌کنم، به عبارت ساده‌تر کره‌جنوبی از طریق فیلم و موسیقی کاملاً به دنبال کار رسانه‌ای قوی بود که از طریق آن، نام‌شان را در دنیا فراگیر کند. با یک مطالعه ساده به راحتی متوجه می‌شوید که دو رییس جمهور در کره معروف به رییس جمهور فرهنگی هستند و از زمان آنها فیلم و موسیقی در کره از قالب سنتی خودش خارج می‌شود.»

کوثری با اشاره به اینکه در مرحله تحقیق برای ساخت این مستند متوجه وجود کانون‌های هواداری بی‌شماری از این گروه‌ها موسیقی در ایران شده، توضیح می‌دهد: «در مرحله پژوهش این مستند بیشتر به دنبال این بودم که از شیوه مدیریت فرهنگی کره‌جنوبی الهام بگیرم که ناگهان متوجه حضور کانون‌های هواداری بی‌شماری در کشور خودمان شدم. در واقع در این مستند بیش از اینکه برای من «کی‌پاپ» یا هر فیلم و موسیقی کراهی مهم باشد، موضوع هواداری و پرداختن به آن اهمیت داشت و «کی‌پاپ» و «BTS» تنها بهانه‌ای برای پی بردن به این کانون‌های هواداری بود.

این کارگردان در مورد جزئیات کانون‌های هواداری سلبریتی‌های کراهی در ایران می‌گوید: اکثر هواداران سلبریتی‌های کراهی دختران هستند. جذابیت بصری و محتوایی که موسیقی و موزیک ویدیو و حتی محتواهای فیلم‌های کراهی دارند، نوجوانانه است و خیلی از نوجوانان را به سمت خود می‌کشد و دلیل این گرایش نوجوانان ما به سمت گروه‌های خارجی خلأ محتوایی است که در کشور ما برای آنها وجود دارد.

این وضعیت برای نویسندگان طبقه کارگر دشوارتر است: «زنان و اقلیت‌ها پیش از گذشته دیده می‌شوند اما صدای طبقه کارگر هنوز گم است. ما فقط خود را میان گروه‌های کوچک هویتی تقسیم کرده‌ایم و اصل ماجرا- یعنی فقر و حذف ساختاری- را فراموش کرده‌ایم.»

بارکر نویسنده‌ای را حرفه‌ای عمیقاً تنها و بی‌پناه می‌داند: «ما نویسنده‌ها همدیگر را می‌بینیم، اما درباره نوشتن کمتر صحبت می‌کنیم؛ بیشتر حرف‌ها حول پول، ناشر و قرارداد است.» ارتباط با خواننده اما چیزی است که به کار معنا می‌دهد؛ اعتراف می‌کند زمانی متوجه واقعیت یافتن یک کتاب می‌شود که بازخورد خوانندگان را می‌شنود.

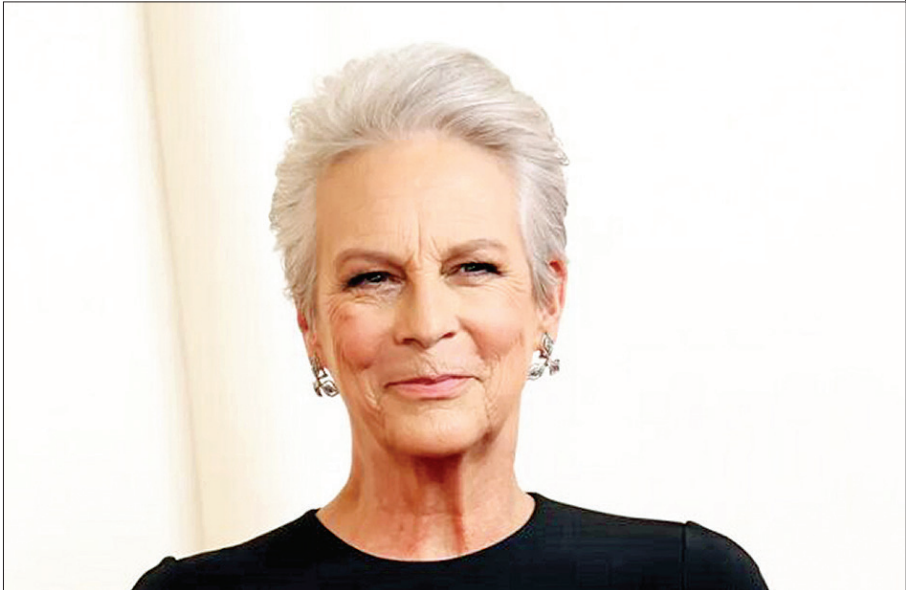
در پایان، وقتی بحث به جایزه و شهرت می‌رسد، گویی هنوز همان نویسنده فروتن است: «خودم هم مطمئن نیستم کدام نویسنده هست که بعد از گرفتن نوبل با خودش نگفته باشد: کار من شایسته توجه بیشتری است!»

پت بارکر که سال ۱۹۹۵ به خاطر «جادو ارواح» برنده جایزه بوکر شد ۸ می ۱۹۴۳ در تورنایی-تیس متولد شد. او در دانشکده اقتصاد لندن تحصیل کرده و معلم تاریخ و سیاست بوده است. اشتیاق و میل ویژه پت بارکر نسبت به کتاب و خواندن در دهه دوم زندگی او، رنگ و جلوه جدی‌تری به خود گرفت. روحیات حساس پت نهایتاً او را به شروع یک فصل تازه در زندگی، یعنی نوشتن

دو نسل ساخت. این مستند می‌تواند محصولی مناسب به خصوص برای معلمان، فعالان فرهنگی حوزه نوجوان و افراد دغدغه‌مند باشد که کمی بیشتر نسبت به موج کراهی اطلاعات کسب کنند.

این مستند به ابعاد مختلف شخصیت نوجوانان اشاره می‌کند و اتفاقاً این روایات را نه در قشر خاص بلکه در اقشار مختلف بررسی می‌کند و افراد با پوشش‌های مختلف جلوی دوربین قرار می‌گیرند. شکاف نسلی، عدم توجه به نیازهای نوجوانان و چالش‌های هویتی از جمله مسائلی است که مخاطب در این مستند با آن مواجه می‌شود.

بین تمام چالش‌ها یک آن سؤالی در ذهن نقش می‌بندد که چرا نوجوان، سلبریتی کراهی را به نسخه‌های ایرانی ترجیح می‌دهد؟ با نگاه اجمالی به محتوای اغلب موسیقی‌های پاپ به این نکته اشاره می‌شود که مضمون اغلب محتواها موضوعات عشقی و اجتماعی است و سؤالی که در ذهن نقش می‌بندد این است که آیا واقعاً این





دیدگاه: یادداشت اقتصادی

هوش خطرناک

چرا نگرانی‌ها درباره هوش مصنوعی افزایش یافته است؟

مهتا معرفت

گروه اقتصاد

از زمان دستاوردهای بزرگ یک دهه قبل، توانمندی‌های هوش مصنوعی بارها و به طرز قابل‌توجهی از پیش‌بینی‌ها جلوتر رفته‌اند. الگوهای بزرگ زبانی اوپن ای‌آی و گوگل دیپ‌ماینند. امسال در المپیاد بین‌المللی ریاضیات به مدال طلا دست یافتند. این رویداد ۱۸ سال زودتر از زمانی اتفاق افتاد که متخصصان در سال ۲۰۲۱ پیش‌بینی کرده بودند. الگوها روزبه‌روز بزرگ‌تر می‌شوند و این رشد را مدیون رقابت بین بنگاه‌های فناوری (که عقیده دارند برنده صاحب همه چیز می‌شود) و میان چین و آمریکا (که می‌ترسند در صورت دوم شدن شکستی سیستمی را متحمل شوند) هستند. این امکان وجود دارد که در سال ۲۰۲۷ یک مدل را با استفاده از منابع رایانشی آموزش داد که هزار برابر بیشتر از منابعی هستند که GPT-۴ را ساختند که زیربنای پرطرفدارترین روایات گفت‌وگوی امروز است.

این واقعیت چه پیش‌بینی‌هایی را درباره توانمندی‌های هوش مصنوعی در سال ۲۰۳۰ یا ۲۰۳۲ مطرح می‌کند؟ بسیاری نگران پیدایش یک محیط جهانی هستند که در آن ترویرست‌های مجهز به هوش مصنوعی سلاح‌های بیولوژیک بسازند و جان میلیاردها نفر را بگیرند، یا یک هوش مصنوعی دارای برنامه‌ریزی شیطنانی افسار پاره کند و بشریت را زیر سلطه بگیرد. به‌سادگی می‌توان دید که چرا این مخاطرات ظاهراً کوچک توجه زیادی را به خود جلب می‌کنند. همزمان این موضوع باعث شد، اندیشه‌های زیادی درباره اثرات محتمل، پیش‌بینی‌پذیر و شگفت‌انگیز یک هوش مصنوعی غیر آخر‌الزمانی شکل بگیرند. تا قبل از سال ۱۷۰۰، اقتصاد جهان به‌طور میانگین هر قرن ۸ درصد رشد می‌کرد. هر کس که وقایع آینده را پیش‌بینی می‌کرد، عجیب و غریب به نظر می‌رسید. اما در ۳۰۰ سال پس از آن و با وقوع انقلاب صنعتی، میانگین رشد به ۳۵۰ درصد در هر قرن رسید. به دنبال آن نرخ مرگ‌ومیر کمتر و نرخ زادوولد بیشتر شد. جمعیت‌های بزرگ‌تر نظریات جدید بیشتری را شکل دادند و سرعت توسعه بالا رفت. حرکت این چرخه به دلیل نیاز به استعداد بشری آهسته بود. درنهایت، افزایش رفاه و ثروت باعث شد، انسان‌ها فرزندان کمتری به دنیا آورند. استناداردهای زندگی با نرخ ثابت سالانه ۲ درصد رشد کردند. هوش مصنوعی این محدودیت‌های جمعیتی را ندارد. متخصصان فناوری وعده می‌دهند که هوش مصنوعی سرعت کشفیات را بالا می‌برد. سم آلتمن، مدیرعامل اوپن ای‌آی، پیش‌بینی می‌کند که سال آینده هوش مصنوعی بتواند «بینش‌های جدیدی» بیافریند. هوش مصنوعی هم‌اکنون به برنامه‌ریزی بهتر الگوهای هوش مصنوعی کمک می‌کند.

برخی می‌گویند که تا سال ۲۰۲۸ آنها می‌توانند بر روند بهبود خود نظارت کنند. بنابراین احتمال دارد ما شاهد انقلاب دوم در رشد اقتصاد باشیم. اگر توان رایشان بتواند بدون مداخله بشر پیشرفت‌های فناوری ایجاد کند و بخشی از منافع آن دوباره در ساخت دستگاه‌های توانمندتر سرمایه‌گذاری شوند آنگاه ثروت با سرعتی بی‌سابقه انباشته خواهد شد. اقتصاددانان از مدت‌ها قبل به منطق ریاضیاتی خودکارسازی کشف نظر‌یه‌های جدید توجه داشتند. طبق پیش‌بینی اخیر اندیشکده AI Epoch زمانی که هوش مصنوعی بتواند ۳۰ درصد از کارها را انجام دهد، نرخ رشد اقتصاد از سالانه ۲۰ درصد فراتر می‌رود. افراد خوش‌بین از قبیل ایلان ماسک بر این باورند که هوش مصنوعی خودبهبودگر به خلق یک ابرهوشمند می‌انجامد. بشریت می‌تواند به هر نظر،یه‌ای که به آن فکر می‌کند-از قبیل ساخت بهترین روایات‌ها، موشک‌ها و راکتورها-دست یابد. دستیابی به انرژی و طول عمر بیشتر برای انسان‌ها هیچ محدودیتی نخواهد داشت و تنها محدودیت پیش‌روی اقتصاد قوانین فیزیک خواهد بود. به‌راحتی می‌توان اثرات حیرت‌آور هوش مصنوعی را تصور کرد. به‌عنوان یک آزمایش فکری به روند فزاینده پیشرفت به سمت هوشی در سطح هوش انسانی بیندیشید. در بازارهای کار، هزینه استفاده از توان رایانشی برای انجام یک کار دستمزد انجام آن را محدود می‌کند و این پرسش پیش می‌آید که چرا باید دستمزدی بیش از هزینه دیجیتال به یک کارگر انسانی پرداخت؟ در عین حال، کاهش شمار ابرستاره‌هایی که مهارت‌هایشان قابل خودکارسازی نیست و به‌طور مستقیم مکمل هوش مصنوعی است، باعث می‌شود آنها از بازدهی بسیار بالا بهره‌مند شوند. تنها کسانی که می‌توانند از آنها جلو بزنند، صاحبان سرمایه‌های مرتبط با هوش مصنوعی خواهند بود. کسانی که سهم بزرگی از تولید اقتصادی را نصیب خود خواهند کرد. دیگران باید خود را با شکاف‌های بین توانمندی‌های هوش مصنوعی و خرج ثروت‌های جدید سازگار کنند. هرگاه تکنایی در خودکارسازی و عرضه نیروی کار دیده می‌شود، دستمزدها به‌سرعت بالا می‌روند. این اثرات که به «بیماری هزینه» شهرت دارند، می‌توانند اقتدر قوی شوند که جلوی انفجار GDP را بگیرند حتی اگر اقتصاد به‌طور کامل دگرگون شده باشد.

## توسعه

### بررسی تحولات اقتصادی

## یک انتصاب عجیب!

### اسماعیل سقاب‌اصفهانی کیست، چه مأموریتی به او محول شده و چقدر برای این مأموریت شایستگی دارد؟

#### جمشید پیش‌قدم

گروه اقتصاد

مسعود پزشکیان در حکمی بحث‌برانگیز، یک چهره نزدیک به جبهه پایداری را مامور کرد تا مقدمات تشکیل «سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی» را فراهم کند. این سازمان قرار است به عنوان سازمان دولتی و زیر نظر رئیس‌جمهور تا پایان شهریور آغاز به کار کند.

این انتصاب واکنش‌های متفاوتی را برانگیخته است. برخی از حامیان سیاسی رئیس‌جمهور این انتخاب را غیرمنتظره و ناسازگار با شعارهای انتخاباتی مسعود پزشکیان مبنی بر شایسته‌سالاری و استفاده از نیروهای متخصص می‌دانند و معتقدند، سقاب‌اصفهانی

فاقد تخصص کافی در حوزه مدیریت انرژی است. در مقابل، برخی دیگر با استناد به سوابق مدیریتی وی در مسئولیت‌های پیشین از ایسن تصمیم حمایت کرده و آن را گامی در جهت رفع ناترازی انرژی در کشور قلمداد کرده‌اند.

آقای سقاب‌اصفهانی که از دوران تصدی ابراهیم رئیسی بر آستان قدس با او همراه بود، در اوایل سال ۱۴۰۲ با حکم او به عنوان دبیر ستاد راهبردی تحول و مسئول رصد و پایش سند تحول دولت سیزدهم منصوب شد. این همراهی نشان از اعتماد زیاد مرحوم رئیسی به آقای سقاب‌اصفهانی داشت و همین فرد اکنون با حکم مسعود پزشکیان وظیفه سیاستگذاری درباره بهینه‌سازی مصرف سوخت را بر عهده گرفته است. این انتصاب واکنش‌های زیادی را به دنبال داشته و از سویی باعث تعجب برخی حامیان سیاسی رئیس‌جمهوری شده و از سویی دیگر با حمایت برخی نیز مواجه شده است. سقاب‌اصفهانی کیست، چه مأموریتی به او محول شده و چقدر برای این مأموریت شایستگی دارد؟ چنانکه شرح داده شد، اسماعیل سقاب‌اصفهانی از مدیران دولتی با سابقه در دوره‌های مختلف است که در دولت ابراهیم رئیسی به عنوان دبیر ستاد راهبردی تحول و مسئول رصد و پایش سند تحول دولت مردمی منصوب شد. برخی محافل سیاسی اصولگرا او را به عنوان پیمانکار نگارش سند تحول دولت قبل می‌شناسند و حتی برخی سایت‌ها از او به عنوان «نولیبرال پیشانی سفید» یاد کرده‌اند. تا اینجا مشخص است که آقای سقاب‌اصفهانی نزدیکی زیادی با سیدابراهیمی رئیسی داشت چنانکه در یک برنامه تلویزیونی در فراق او اشک ریخت. برخی شواهد نشان می‌دهد که سقاب‌اصفهانی از نزدیکان فکری به جبهه پایداری محسوب می‌شود. از جمله اینکه با امیرحسین قاضی‌زاده که در دو انتخابات قبل، نامزد انتخابات ریاست‌جمهوری شد، کار مشترک کرده است.

#### بازار سهام

## سرخ‌رود بورس

### چرا خروج پول از بازار سهام ادامه دارد؟

#### نسرین خدادادی

گروه اقتصاد

در معاملات دیروز بورس تهران، شاخص کل با کاهش ۱/۲۶ درصدی همراه شد و به سطح ۲ میلیون و ۷۳۳ هزار واحدی رسید. شاخص هم‌وزن هم ۰/۸۲ درصد از ارتفاع خود را از دست داد و در سطح ۸۲۱ هزار واحدی آرام گرفت. در فرابورس نیز شاخص کل این بازار، کاهش ۰/۹۴ درصدی را تجربه کرد. در معاملات دیروز، ارزش معاملات خرد بازار سهام در سطح ۲ هزار و ۲۳۱ میلیارد تومان قرار گرفت. رقمی نازل که کمترین میزان ارزش معاملات در سال جاری بورس تهران است. تجربه چنین

درباره شایستگی سقاب‌اصفهانی برای این مأموریت، اطلاعات دقیقی از سوابق تخصصی او در حوزه انرژی در دسترس نیست. با این حال به نظر موافقان، تجربه او در مدیریت کلان و نقش‌های راهبردی در دولت پیشین نشان‌دهنده توانمندی در سازمان‌دهی و اجرای برنامه‌های کلان است. با این وجود، فقدان تخصص آشکار در زمینه انرژی و نزدیکی سیاسی به جبهه پایداری، انتقادهایی را درباره تناسب این انتخاب با اهداف اعلام‌شده دولت برای تحول در بخش انرژی مطرح کرده است. موفقیت وی در این مأموریت به توانایی او در بهره‌گیری از مشاوران متخصص و هماهنگی با نهادهای مرتبط بستگی خواهد داشت.

سقاب‌اصفهانی متولد مشهد است. سن زیادی ندارد و عمر حضورش در محافل سیاسی به یک دهه نمی‌رسد. با این حال نامش در هیأت مدیره بنیاد علوی و کنار چهره‌هایی نظیر حیدر



مصلحی، محمود عسگری‌آزاد، سیدامیرمنصور برقیعی و محسن مردعلی دیده می‌شود.

او یکی از افراد اصلی «اندیشکده راهبردی بسامد گام دوم» است. این اندیشکده به دنبال بازطراحی سازوکارهای آینده‌نگرانه مدیریت دولت‌های گام دوم انقلاب است. حضور در این اندیشکده نام او را با چند چهره سیاسی مطرح می‌کند. نام این اندیشکده نخستین بار توسط سیدامیرحسین قاضی‌زاده‌شاهی در فروردین ۱۴۰۰ اعلام عمومی شد. آقای قاضی‌زاده که آن روزها نایب رئیس مجلس شورای اسلامی بود، در معرفی این اندیشکده گفت: «مدل اجرایی یبانیه گام دوم انقلاب را در اندیشکده بسامد طراحی کردیم؛ این مدل ۲۰ سال طول می‌کشد تا به تمدن با عظمت و جهانی ایرانی اسلامی برسیم».

در اساننامه اشاره شده که «اندیشکده راهبردی بسامد گام دوم از جوانان نخبه آکادمیک و مدیران باتجربه اجرایی با هدف حل مسائل جامعه در حوزه‌های حکمرانی، اقتصاد، انرژی، کشاورزی، علم و فناوری، اجتماعی و فرهنگی، آموزش و سلامت از مسیر برنامه‌ریزی، گفت‌وتمان‌سازی و کادرسازی تشکیل شده است».

ارقامی در ارزش معاملات از پانز سال گذشته بی‌سابقه است و افت تقاضا در بازار به گونه‌ای بوده که چنین آمار ناامیدکننده‌ای در بازار به ثبت رسیده است. افزون بر این مورد، با احتساب آمار دیروز، اکنون ۱۷ روز معاملاتی است که ارزش معاملات خرد بازار سهام توانسته از مرز ۱۰ هزار میلیارد تومان عبور کند و قرار گرفتن ارزش معاملات در سطوح کنونی، گویای رکود حاکم بر معاملات این روزهای بورس تهران است. خروج پول از بازار نیز برای ششمین روز متوالی ادامه‌دار بود و حدود ۷۵۱ میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شد. در ۶ روز معاملاتی اخیر حدود ۷ هزار میلیارد تومان پول حقیقی از بازار سهام خارج شده است. بعد از بازگشایی بازار که پس از اتمام جنگ تحمیلی ۱۲ روزه انجام شد؛ بازار در ۲۰ روز از ۲۲ روز معاملاتی با خروج

#### چرا انتصاب خطاست؟

تشکیل «سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی» با چالش‌های متعددی مواجه است. نخست، ادغام سازمان انرژی‌های تجدیدپذیر و بهره‌وری انرژی (ساتبا) از وزارت نیرو در این ساختار جدید، نیازمند هماهنگی پیچیده بین نهادهای دولتی است که ممکن است با مقاومت‌های ساختاری و بروکراتیک همراه باشد. دوم، فقدان جزئیات روشن درباره ساختار، اختیارات و منابع مالی این سازمان می‌تواند، برنامه‌ریزی و اجرای آن را با ابهام مواجه کند. سوم، انتخاب مدیرانی مانند اسماعیل سقاب‌اصفهانی که فاقد تخصص شناخته شده در حوزه انرژی هستند ممکن است، اعتماد کارشناسان و ذی‌نفعان را کاهش دهد و اثربخشی سیاست‌گذاری‌ها را تحت تأثیر قرار دهد. چهارم، ناترازی انرژی در کشور شامل مصرف بالای سوخت و زیرساخت‌های ناکارآمد، چالشی چندوجهی است که نیازمند همکاری گسترده بین وزارتخانه‌ها، بخش خصوصی و نهادهای علمی است اما نبود سابقه موفق در چنین هماهنگی‌هایی می‌تواند، مواعی ایجاد کند. پنجم، محدودیت‌های مالی و تحریم‌های بین‌المللی ممکن است، تأمین بودجه و دسترسی به فناوری‌های پیشرفته برای بهینه‌سازی انرژی را دشوار کند. در نهایت، واکنش‌های سیاسی و اجتماعی به این انتصاب و تشکیل سازمان، از جمله انتقادات حامیان رئیس‌جمهور، می‌تواند اجماع لازم برای پیشبرد این پروژه را تضعیف کند. موفقیت این سازمان به رفع این موانع و اتخاذ رویکردی شفاف و مبتنی بر شایسته‌سالاری بستگی دارد.

انتصاب اسماعیل سقاب‌اصفهانی به عنوان مسئول تشکیل سازمان بهینه‌سازی و مدیریت راهبردی انرژی به دلایل متعددی از سوی منتقدان خطا تلقی شده است. نخست، فقدان تخصص و تجربه مشخص در حوزه انرژی در سوابق وی، انتقادهایی را برانگیخته است. با توجه به اهمیت و پیچیدگی موضوع بهینه‌سازی مصرف سوخت و مدیریت انرژی، انتظار می‌رفت فردی با پیشینه علمی و عملی برجسته در این زمینه انتخاب شود. دوم، نزدیکی سیاسی سقاب‌اصفهانی به جبهه پایداری و همکاری پیشین او با دولت ابراهیم رئیسی با شعارهای انتخاباتی مسعود

پزشکیان مبنی بر شایسته‌سالاری و دوری از جناح‌بندی‌های سیاسی در تضاد است. این موضوع باعث شده برخی حامیان رئیس‌جمهور این انتصاب را ناسازگار با وعده‌های اصلاح‌طلبانه وی بدانند. سوم، نبود شفافیت در معیارهای انتخاب و عدم ارائه برنامه مشخص از سوی سقاب‌افشعانی برای این مأموریت، تردیدهایی را درباره توانایی او در تحقق اهداف این سازمان ایجاد کرده است. در نهایت این انتصاب می‌تواند اعتماد عمومی به تعهد دولت برای استفاده از نیروهای متخصص و مستقل را تضعیف کند به‌ویژه در حوزه‌ای حساس مانند انرژی که تأثیر مستقیمی بر اقتصاد و زندگی مردم دارد. سقاب‌اصفهانی نه مدیر اجرایی سرشناس و کارآمدی است که جایگزینی نداشته باشد، نه اقتصاددانی است که حرف جدیدی بگوید، نه سیاستمداری است که اجماع ایجاد کند و نه در زمره نیروهای سیاسی نزدیک به دولت است. انتصاب او فقط یک فرضیه را قوی می‌کند اینکه مسعود پزشکیان توسط افرادی که لزوماً اصلاح‌طلب نیستند، محاصره شده و نمی‌داند چه اتفاقاتی در دولتش می‌افتد. اگر قرار بود کار دست نیروهای نزدیک به جبهه پایداری یا اصولگرایان باشد، چه اجباری بود که به مسعود پزشکیان رأی دهیم؟

پول حقیقی همراه بوده و تنها در دو روز، خالص تغییر مالکیت به سمت پرتفوی حقیقی‌ها بوده است. حدود ۴۴ هزار میلیارد تومان پول حقیقی در این ۲۲ روز معاملاتی از بازار سهام خارج شده است. دستکاری مکانیسم‌های بازار مانند آنچه در تغییر ضریب اعتباری در اردیبهشت‌ماه انجام و هفته گذشته پس گرفته شد، نمونه‌ای از برخی تصمیمات مبهم در این بازار است. تغییرات گسترده و چندباره در دامنه نوسان ابزارها، عملکرد نظارتی سلیقه‌ای در تایید و ابطال معاملات و باز و بسته شدن نمادها یکی دیگر از عوامل سلب اعتماد سرمایه‌گذار از بازار سرمایه می‌تواند باشد. آنچه در دو نماد شاخص خودروساز در روزهای بساجنگ اتفاق افتاد، عامل دیگری از این بی‌اعتمادی است. نرخ اسکناس آمریکایی که در معاملات شب گذشته در سطح ۸۹ هزار و ۲۰۰ تومان کار خود را به اتمام رسانده بود؛ معاملات صبح دیروز را در قیمت ۸۹ هزار و ۵۰۰ تومان آغاز کرد. در ادامه اما دلار آزاد با کمی عقب‌نشینی همراه شد و به پله‌های ابتدایی کانال ۸۹ هزار تومان رسید. در بازار فیزیکی طلا و سکه هم هر گرم طلای ۱۸ عیار به ۷ میلیون و ۱۷۰ هزار تومان رسید و سکه هم در قیمت ۷۹ میلیون و ۷۰۰ هزار تومان مورد معامله قرار گرفت.





کمبود بیشتر در داروهای تخصصی وارداتی به‌ویژه داروهای تنفسی دیده می‌شود. برخی داروخانه‌ها نمی‌توانند، انسولین خریداری کنند زیرا هزینه آن عمدتاً بر دوش بیمه‌هاست و آنها چندین ماه پرداختی نداشته‌اند. در سال گذشته نیز کمبود وارفارین، داروی ضد انعقاد، خبرساز شد. به گفته پیرصالحی این کمبود در حالی اتفاق افتاد که ۶ برابر نیاز کشور وارفارین وارد شده بود اما به دلیل توزیع نامناسب و مشکلات مدیریتی، بیماران دچار مشکل شدند. این مثال نشان می‌دهد که علاوه بر مسائل مالی، ضعف مدیریت و نظارت در زنجیره تأمین نقش دارد. پیامد مستقیم کمبود و افزایش قیمت داروها، فشار شدید بر بیماران است. به دلیل افزایش نرخ ارز و حذف ارز ترجیحی، قیمت بسیاری از تجهیزات پزشکی چند برابر شده و بیمه‌ها توان پوشش هزینه‌ها را ندارند بنابراین بیماران مجبور شده‌اند، سهم بیشتری از هزینه‌ها را پرداخت کنند. برای مثال، قیمت استنت قلب از حدود دو میلیون تومان به بیش از ۱۲ میلیون تومان رسیده و هزینه عمل‌های جراحی مانند کاتاراکت از دو میلیون به حدود ۱۰ میلیون تومان در بیمارستان‌های دولتی افزایش یافته است. این وضعیت باعث شده بسیاری از بیماران ناچار شوند به بازار سیاه مراجعه کنند یا درمان را به تعویق بیندازند که می‌تواند پیامدهای جدی بر سلامت جامعه داشته باشد.

#### شهر

### اصرار عجیب رئیس‌جمهور! چمران؛ انتقال پایتخت عملیاتی نیست!

در حالی که مسعود پزشکیان، رئیس‌جمهور، بار دیگر از لزوم انتقال پایتخت به سواحل جنوبی کشور سخن گفته، مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران در جلسه دیروز شورای شهر، این موضوع را رد کرد و گفت رئیس‌جمهور اساساً از انتقال صحبت نکرده بلکه درباره «ظرفیت نداشتن تهران برای بارگذاری جمعیتی جدید» هشدار داده است. برای بحث انتقال پایتخت کمیسیون تشکیل شده و روی آن کار می‌کند. بیشتر بحث ساماندهی پایتخت مطرح است و انتقال پایتخت عملیاتی نیست. بسا این حال اظهارات پزشکیان طی ماه‌های اخیر از جمله بازدید اخیرش از وزارت راه و شهرسازی، نشانه‌هایی از جدی بودن دولت چهاردهم در طرح انتقال مرکز سیاسی کشور به مناطقی چون مکران را نشان می‌دهد. او کمبود آب، خطرات زست‌محیطی و ناکامی سیاست‌های پیشین در مهار جمعیت تهران را دلایل این پیشنهاد دانسته است.

چمران اما می‌گوید پیش از هرگونه انتقال باید مشکلات مناطق هدف مانند چابهار حل شود: «چرا فرودگاه چابهار هنوز مساله دارد؟ چرا آنجا توسعه پیدا نمی‌کند؟ زمین در مکران از میرداماد هم گران‌تر شده!» او معتقد است، ساماندهی تهران در اولویت است و انتقال پایتخت، آن هم بدون زیرساخت لازم، غیرعملیاتی است. منتقدان هم هشدار می‌دهند که این طرح بدون تأمین بودجه لازم، برنامه‌ریزی فنی و اجماع سیاسی، بیش از آنکه راه‌حلی برای بحران تهران باشد، نوعی شعار سیاسی در مواجهه با نارضایتی عمومی است. تجربه دولت‌های پیشین نشان می‌دهد که انتقال پایتخت به رغم تکرارهای متعدد، در عمل شکست خورده است.

در نهایت، به نظر می‌رسد اگرچه تهران به دلیل بحران‌های محیط‌زیستی، اجتماعی و زیرساختی در آستانه فروپاشی است اما نسخه‌ای به نام «انتقال پایتخت» بدون پیش‌نیازهای گسترده، درمانی برای آن نخواهد بود. شاید راه‌حل مؤثر، تمرکززدایی تدریجی و تقویت زندگی در روستاها و شهرهای کوچک‌تر باشد؛ همان‌طور که چمران نیز تأکید کرد: «راه آبادانی شهرها از روستاها می‌گذرد، مردم باید در روستاها و شهرهای کوچک بتوانند زندگی خوبی داشته باشند تا به کلانشهرها مهاجرت نکنند»، وی به رشد شدید جمعیت در حاشیه تهران اشاره کرد و گفت: «روستای مرضی‌گرد حالا ۷۰ هزار نفر جمعیت دارد و آب و برق آن از طریق انشعاب‌های غیرمجاز تأمین می‌شود».

افزایش داده است؛ در نتیجه توان خرید تولیدکنندگان کاهش یافته و بیماران مجبور شده‌اند ۷۰ تا ۸۰ درصد هزینه دارو را از جیب خود پرداخت کنند. در عین حال، دولت در سال ۱۴۰۳ حدود سه میلیارد و ۱۵۳ میلیون دلار ارز برای واردات دارو و مواد اولیه اختصاص داد اما در دو ماهه ابتدای سال ۱۴۰۴ بانک مرکزی تنها ۳۵۸ میلیون دلار ارز برای واردات دارو تأمین کرده است. بنا بر گزارش‌ها، مجموع تخصیص و تأمین ارز برای واردات دارو تا ۱۸ خرداد ۱۴۰۴ از مرز یک میلیارد و ۴۰ میلیون دلار عبور کرده است. با این حال، پیگیری‌ها نشان می‌دهد که توزیع ارز به معنای تأمین واقعی نیست و بسیاری از شرکت‌ها توان تأمین ریال مورد نیاز برای خرید ارز را ندارند.

#### کمبود داروهای حیاتی و گسترش بازار سیاه

یکی از آثار ملموس بحران کمبود دارو، ظهور بازار سیاه و ورود داروهای تقلبی است. سلام ستوده، عضو کمیسیون بهداشت و درمان مجلس می‌گوید که کمبود دارو باعث گسترش بازار سیاه و ورود داروهای بی‌کیفیت شده و این مساله نارضایتی گسترده‌ای در بی داشته است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که کمبود دارو تقریباً همه گروه‌ها از داروهای عمومی تا تخصصی را درگیر کرده است. به گفته احمدی

۲۰۰ لیتر در روز است، در حالی که کارشناسان، حد استاندارد را ۱۳۰ لیتر عنوان می‌کنند. در این مصرف بالا حدود ۸۴ درصد آب در بخش شست‌شو و بهداشت صرف می‌شود و کمتر از ۵ درصد برای آشامیدن استفاده می‌شود. بیش از یک‌سوم آب شرب در شبکه‌های فرسوده شهر هدر می‌رود؛ برآورد می‌شود که نشت و سرقت آب در شبکه بین ۱۵ تا ۳۵ درصد باشد. این به معنی اتلاف میلیون‌ها متر مکعب آب تصفیه شده است که باید از سفره‌ها برداشت شود. این نشت گسترده با فرسودگی شبکه و عدم سرمایه‌گذاری در فناوری‌های نوین مدیریت فشار و سنجش نشت مرتبط است. گزارش‌ها نشان می‌دهد که بودجه لازم برای بازسازی شبکه‌های آب شهری بالغ بر چند میلیارد دلار است اما تنها بخش کوچکی از آن تخصیص می‌یابد. در کشورهای پیشرفته با استفاده از حسگرهای نشتیاب و شیرهای هوشمند، میزان هدررفت آب به زیر ۵ درصد کاهش یافته است و ایران نیز باید به صورت فوری به این فناوری‌ها روی آورد.

#### کشاورزی پر مصرف و بهره‌وری پایین

یکی از ابعاد بحران آب ایران و به تبع آن تهران، مصرف بالای آب در کشاورزی است. بخش کشاورزی حدود ۹۰ درصد منابع آبی کشور را مصرف می‌کند اما بهره‌وری آن تنها حدود ۳۵ درصد است. بسیاری از صنایع سنگین مانند فولاد و پتروشیمی نیز در مناطق خشک کشور مستقر شده‌اند و نیازهای آبی خود را از سدها و انتقال‌های بین حوضه‌ای تأمین می‌کنند. کارشناسان معتقدند، انتقال آب از حوضه‌های کوهستانی به کویر برای مصرف صنعتی و کشاورزی نه تنها به نابودی منابع آب مبدأ می‌انجامد بلکه زیرساخت‌های مقصد را نیز در معرض فرونشست قرار می‌دهد. محمد درویش، فعال محیط‌زیست، تأکید می‌کند که اگر سرمایه‌گذاری جدی بر تصفیه‌خانه‌های فاضلاب و بازچرخانی آب می‌شد، وضعیت کنونی رخ نمی‌داد. او می‌گوید، هزینه تصفیه فاضلاب یک‌پنجم شیرین‌سازی آب دریاست و می‌توانست نیازهای فضای سبز و مصارف ساختمانی را تأمین کند. اما دولت‌ها در عوض پروژه‌های پر هزینه‌ای مانند انتقال آب از دریای عمان یا حفر چاه‌های عمیق را دنبال کرده‌اند. این در حالی است که تنها ۱۵ تا ۲۰ درصد فاضلاب کشور تصفیه می‌شود و حدود ۶/۴ میلیارد مترمکعب فاضلاب خام هر سال وارد طبیعت و منابع زیرزمینی می‌شود. بحران آب و فرونشست در تهران حاصل دهه‌ها سوءمدیریت، مصرف بی‌رویه و بی‌توجهی به محدودیت‌های اقلیمی ایران است. کاهش شدید ذخیره سدها، وابستگی زیاد به سفره‌های زیرزمینی، وجود صدها هزار چاه غیرمجاز و از دست رفتن ۳۰ تا ۳۶ سانتی‌متر ارتفاع زمین در هر سال موجب شده که هر لحظه احتمال فرو رفتن بخشی از خاک پایتخت وجود داشته باشد. اگر اقدامات فوری برای کاهش مصرف، بازچرخانی و اصلاح کشاورزی اتخاذ نشود، تهران و سایر شهرهای ایران در آینده‌ای نزدیک با کم‌آبی شدید، فرونشست‌های خطرناک و مهاجرت‌های اجباری روبه‌رو خواهند شد. باید چرخه مدیریت آب را از تقابل با طبیعت به هم‌زیستی و پایداری سوق داد، وگرنه ترازوی زیرزمین و پشت‌بام در گستره‌ای وسیع‌تر تکرار خواهد شد.

# زنگ هشدار کمبود دارو!

## رئیس سازمان غذا و دارو از احتمال کمبود دارو تا پایان سال خبر داده است

میلیارد تومان یارانه برای دارو درخواست کرده بود اما سازمان برنامه و بودجه با تخصیص ۵۰ هزار میلیارد تومان موافقت کرد. این اختلاف نشان‌دهنده ناترازی‌های جدی است که صنعت دارو را با کمبود ارز برای خرید مواد اولیه مواجه و توان کارخانه‌ها را تضعیف کرده است. احمدی اضافه می‌کند که اگر وضعیت فعلی ادامه یابد و بودجه‌ای اختصاص داده نشود طی ۶ ماه آینده کشور دچار مشکل اساسی در تهیه دارو خواهد شد؛ زیرا برای تأمین ماده اولیه، سفارش‌ها باید ۶ ماه پیش از نیاز به کشور تأمین‌کننده ارسال شود. نمونه‌ای از کمبودهای کنونی، داروهای تنفسی وارداتی است که به‌دلیل مشکلات ارزی در حال اتمام هستند. او تأکید می‌کند که سازمان تأمین اجتماعی هر ماه بیش از ۹۰ هزار میلیارد تومان از بیمه‌شدگان دریافت می‌کند و طبق قانون باید یک سوم آن یعنی ۳۰ هزار میلیارد تومان، صرف دارو و درمان شود اما این بودجه صرف پروژه‌های ساختمانی می‌شود.

#### قیمت‌گذاری و تغییرات نرخ ارز

قیمت‌گذاری نامناسب و تغییر نرخ ارز نیز از عوامل اصلی کمبود دارو است. پیکر بدنه صنعت دارو بر مبنای ارز ترجیحی ۴۲۰۰ تومانی شکل گرفته بود. اما از ابتدای سال ۱۴۰۴ دولت ارز ترجیحی را حذف و نرخ جدید ۲۸۵۰ تومانی را برای واردات دارو و تجهیزات پزشکی تعیین کرد. به گفته کارشناسان، این تغییر نرخ، هزینه تولید تجهیزات پزشکی را تا ۷ برابر و قیمت کالاهای تولید داخل را حدود پنج برابر

### خشک شدن چاه‌های آب تهران

#### پس از بی‌آبی، تهران با فرونشست‌های خطرناک روبه‌رو خواهد شد

در عین حال بخش کشاورزی بیش از ۸۰ میلیارد متر مکعب آب در سال مصرف می‌کند و ۵۰ تا ۶۰ میلیارد متر مکعب از آب‌های زیرزمینی برداشت می‌شود؛ این در حالی است که بازدهی کشاورزی پایین است و تنها ۱۰ تا ۱۲ درصد تولید ناخالص داخلی را تشکیل می‌دهد. این تناقض به معنای هدررفت مشترک منابع آبی و اقتصاد کشاورزی است.

#### ابعاد فرونشست و تهدید زیرساخت‌ها

کاهش سطح آب زیرزمینی دشت‌های جنوب و جنوب‌غربی تهران باعث شده که زمین سال به سال فروکش کند. مرکز نقشه‌برداری کشور در سال ۱۴۰۳ اعلام کرد که نرخ فرونشست در جنوب‌غرب تهران (دشت ورامین و مناطق ۱۸ و ۱۹) به ۳۱ سانتی‌متر در سال رسیده است. در گزارشی از روزنامه فایننشال‌تایمز که به‌صورت خلاصه در رسانه‌های ایرانی ترجمه شد، گفته شد که میانگین جهانی فرونشست سه سانتی‌متر است اما در تهران سال گذشته این رقم از ۲۰ سانتی‌متر به ۳۱ سانتی‌متر افزایش یافته و سه میلیون نفر از ۹ میلیون ساکن شهر در منطقه فرونشست شدید زندگی می‌کنند. در برخی نقاط نزدیک چاه‌های عمیق حتی تا ۳۶ سانتی‌متر فرونشست گزارش شده است. کارشناسان می‌گویند، وقتی سطح زمین بیش از ۲۴ سانتی‌متر در سال پایین برود، بازگشت آن تقریباً غیرممکن است و سفره‌های آب به‌صورت دائمی فرو می‌ریزند.

پیامدهای این فرونشست خاموش و تدریجی، زیرساخت‌های حیاتی پایتخت را تهدید می‌کند. به گفته پژوهشگران، فرونشست باعث شکاف‌های عمیق در زمین، ترک خوردن آسفالته‌ها و نشست پل‌ها و خطوط ریلی می‌شود. ساکنان شهرری و مناطق جنوب تهران مجبور شدند، درها و پنجره‌های خانه‌های خود را مرتب تنظیم یا تعویض کنند زیرا چارچوب‌ها در اثر نشست تغییر شکل می‌دهند. خطوط انتقال آب، گاز و برق نیز در معرض شکستگی و نشتی قرار دارند و حتی برج‌های بلندمرتبه می‌توانند در آینده با خطرانی جدی مواجه شوند. گزارش‌های رسمی حاکی از آن است که حدود ۱۱ درصد از وسعت ایران و نزدیک به نیمی از جمعیت کشور در مناطقی زندگی می‌کنند که تحت تأثیر فرونشست قرار دارند. در تهران و کرج، نرخ فرونشست اکنون در برخی مناطق به ۳۰ تا ۳۶ سانتی‌متر در سال رسیده است؛ نرخی که می‌تواند خطوط مترو، آزادراه‌ها، فرودگاه‌ها و حتی سدها را تهدید کند.

#### مصرف بی‌رویه، نشت شبکه و بی‌عدالتی

یکی از مهم‌ترین عوامل تشدید بحران در تهران، مصرف بیش از اندازه و ضعف شبکه توزیع است. بر اساس سخنان استاندار تهران حدود ۱۵۰ هزار انشعاب غیرقانونی در شبکه آب وجود دارد و جمعیت شهر که ۲۱ برابر میانگین کشوری تراکم دارد ۴۲ درصد کل منابع آبی تجدیدپذیر استان را مصرف می‌کند. مصرف سرانه آب در تهران حدود

**گروه اجتماعی:** رییس سازمان غذا و دارو، مهدی پیرصالحی، در ماه‌های اخیر بارها نسبت به شدت گرفتن کمبود دارو هشدار داده است. او گفته که ایران پس از انقلاب توانسته است ۹۸درصد داروها را از نظر تعداد و ۸۲درصد را از نظر حجم در داخل تولید کند اما با وجود این دستاورد بزرگ، صنعت داروسازی با بحران نقدینگی مواجه است؛ دلیل اصلی این مشکل، عدم پرداخت تعهدات توسط سازمان‌های بیمه‌گر و سازمان هدفمندی یارانه‌هاست. به گفته او پرداخت بخشی از بدهی‌های معوق در اسفند ۱۴۰۳ انجام شد اما از آن زمان هیچ پرداختی صورت نگرفته و اگر نقدینگی تأمین نشود، کمبود داروهای اساسی تشدید می‌شود. پیرصالحی در دی ۱۴۰۲ نیز سه عامل را برای کمبود دارو شمرد: بحران نقدینگی، قیمت‌گذاری نامناسب و تخصیص ناکافی ارز. دولت در ۹ ماهه نخست سال گذشته ۲/۸ میلیارد دلار ارز ترجیحی به دارو اختصاص داده بود اما حدود ۶۰۰ میلیون دلار آن نتوانست توزیع شود و شرکت‌ها نتوانستند، مطالبات خود را دریافت کنند. به گفته او، دولت ۳۶ هزار میلیارد تومان به صنایع دارویی و ۲۰ هزار میلیارد تومان به تجهیزات پزشکی بدهکار است و برخی داروهای بیمارستانی به دلیل پایین بودن قیمت رسمی تولید نمی‌شود. پس از اصلاح قیمت‌ها، کمبود ۵۷ قلم داروی بیمارستانی به ۱۰ قلم کاهش یافت اما هنوز مشکل نقدینگی پابرجاست. همزمان هادی احمدی، عضو هیات مدیره انجمن داروسازان ایران می‌گوید ناترازی دارو به نحوه تخصیص بودجه بازمی‌گردد. او در گفت‌وگویی با سایت انتخاب اظهار کرد که سازمان غذا و دارو سال گذشته ۱۸۰هزار

#### محیط زیست

**گروه اجتماعی:** تهران و کلان‌شهرهای ایران در سال‌های اخیر به صحنه‌ای از آشکار شدن بحران آب و اثرات ویرانگر فرونشست زمین تبدیل شده‌اند. مخازن سدهای شمال و غرب تهران تقریباً خالی شده‌اند، چاه‌های عمیق به آخرین قطرات آب زیرزمینی می‌رسند و دشت‌های جنوب تهران روز به روز فروتر می‌روند. تأمین آب تهران به‌طور سنتی بر پنج سد اصلی (کرج، امیرکبیر، لار، لتیان، طالقان و ماملو) و شبکه چاه‌های عمیق تکیه دارد. کاهش شدید بارندگی طی امسال و سال گذشته سبب شد، ذخیره این سدها به پایین‌ترین سطوح دهه‌های اخیر برسد. گزارش‌ها نشان می‌دهد که سد امیرکبیر که زمانی ستون فقرات آب تهران بوده فقط حدود ۶ درصد از حجم قابل استفاده‌را در خود دارد. سد لار که تاکنون بخشی از آب شرب تهران را تأمین می‌کرد کمتر از ۱۰ درصد پر است و سد لتیان نیز حول و حوش ۱۰ درصد ظرفیت دارد. به گفته کارشناسان، هم‌زمانی کاهش ذخایر این سه سد، که ۶۰ تا ۷۰ درصد آب تهران را تأمین می‌کردند، همراه با افت منابع زیرزمینی شهر در آستانه بحران سیستماتیک قرار داده است. آمار ملی نیز نشان می‌دهد که تنها ۴۴ درصد ظرفیت مخازن سدهای کشور پر است و ذخایر ۱۵ سد مهم بیش از ۵۰ درصد نسبت به سال گذشته کاهش یافته است. در پاسخ به این بحران قابل پیش‌بینی، طی سال‌های گذشته برخی مسئولان به‌جای اصلاح مصرف و مدیریت به حفر چاه‌های عمیق روی آورده‌اند. مهدی چمران، رئیس شورای شهر تهران، سال گذشته اعلام کرده بود که وزارت نیرو طرح حفر ۵۰ حلقه چاه عمیق به عمق ۲۵۰ متر برای تأمین آب شرب تهران را در دست اجرا دارد. او هشدار داد که این چاه‌ها در کوتاه‌مدت، چاه‌های موجود را می‌خشکانند و باعث فرونشست بیشتر دشت ورامین خواهند شد. او حالا هم‌زمان با بحران شدید آب در تهران در نامه‌ای به سران قوا برای جلوگیری از حفر چاه‌های بیشتر اعلام کرده که در عرض سه سال این چاه‌ها دوباره خشک خواهند شد و وضعیت پیچیده‌تر می‌شود. پیش از این استاندار تهران به استفاده بیش از حد از چاه‌های آب زیرزمینی اشاره کرده بود. به گفته او بیش از ۶۰ درصد آب مصرفی استان از چاه‌ها و آب‌های زیرزمینی تأمین می‌شود و در برخی نقاط فرونشست سالانه به ۳۱ سانتی‌متر رسیده است. این عدد بسیار فراتر از آستانه بحرانی است که جامعه جهانی (۵ میلی‌متر در سال) برای فرونشست خطرناک تعیین کرده و به معنای فرو رفتن آرام‌آرام پیوسته سازه‌ها و خطوط انتقال در زمین است. به اضافه اینکه چاه‌های غیرمجاز شرایط را بحرانی‌تر کرده‌اند؛ در سال ۱۳۹۶ حدود ۲۲۰ هزار چاه غیرمجاز در کشور وجود داشت که بخش عمده‌ای از آنها در استان تهران حفر شده است. به اضافه اینکه به‌دلیل نبود زیرساخت جمع‌آوری و بازچرخانی فاضلاب، قسمت بزرگی از منابع آب شیرین شهر هدر می‌رود. طبق آمار رسمی تنها ۱۵ تا ۲۰ درصد فاضلاب کشور تصفیه می‌شود و در نتیجه حدود ۶/۴ میلیارد متر مکعب فاضلاب خام هر سال وارد محیط‌زیست و سفره‌ها می‌شود.



**سازندگی:** روزنامه سیاسی و اجتماعی • صاحب امتیاز: حزب کارگزاران سازندگی ایران • مدیرمسئول: امیر اقتناعی • سردبیر: اکبر منتجبی

زیرنظرشورای سیاستگذاری: سیدحسین مرعشی (رئیس)، محمد عطریانفر، محمد قوچانی، علی هاشمی، سیدعلیرضا سیاسی‌راد، امیر اقتناعی

مدیرهنری: رضا دولت‌زاده • عکس: رضا معطریان • ویراستار: سعیده آیین‌فر • نشانی: تهران، پاسداران، نگارستان پنجم، پلاک ۸، تلفن: ۲۲۸۴۱۲۶۲ • چاپ: امید نشر ایرانیان: ۹-۶۸۵۳۷۱۶۸ • توزیع: نشر گستر امروز: ۶۱۹۳۳۰۰۰

کارنامه: خاطرات هاشمی ۱۳۸۰



افراط در اختلاف ۲۷۸

ادامه پنج‌شنبه ۲۵ بهمن

**کشته شدن وزیر جهانگردی افغانستان**

در کمیته بودجه کنگره آمریکا، مشاجره‌ای بین رئیس کمیته با وزیر امورخارجه آمریکا رخ داده و نمایندگان به سیاست جنگ‌طلبی رئیس‌جمهور علیه کشورهای مستقل، مثل ایران و کره [شمالی] و عراق اعتراض کرده و گفته‌اند، دولت از کنگره فقط اجازه حمله به عوامل تروریسم مربوط به ۱۱ سپتامبر را گرفته و با آن اجازه، نمی‌تواند به کشورهای دیگر حمله کنند و اگر بناسد، جنگی دیگر رخ دهد باید از کنگره اجازه بگیرد و [کالین] پاول گفته در مورد ایران هنوز برنامه جنگ نداریم و فقط برای تقویت جناح دوم خرداد در مقابل رهبری انقلاب، اقداماتی می‌کنیم که برای چپ‌ها گران تمام شده است. [جورج] بوش، [رئیس‌جمهور آمریکا] خواستار حذف صدام حسین، [رئیس‌جمهور عراق] شده است.

شب، دکتر [حسن] روحانی، [دبیر شورای عالی امنیت ملی] به خانه آمد. گزارش اختلاف سپاه و وزارت امورخارجه برای حضور در افغانستان را داد و اینکه رهبری، نظر سپاه را تأیید می‌کند و شورای عالی امنیت ملی، مخالف آن است و با اظهارات آمریکایی‌ها را جدی می‌داند و راهکارهایی برای کم کردن خطر پیشنهاد می‌کند. مشکل‌شان پذیرش رهبری است. از قول آقای [سیدمحمد] موسوی خوینبی‌ها نقل کرد که آنها خطر آمریکا را جدی نمی‌دانند و تحریکات جناح مقابل خود را عامل این وضع می‌دانند و با صراحت می‌گویند با مواضع رهبری، کاری از پیش نمی‌رود. در مورد سفیر پیشنهادی انگلستان که رد شده گفت، آقای خاتمی، [رئیس‌جمهور] بی‌جهت مسأله را از رهبری پرسیدند؛ چون وزارت اطلاعات مخالف بود، رهبری رد کردند.

[آقای عبدالرحمن]. وزیر [حمل و نقل هوایی و] جهانگردی افغانستان در فروودگاه کابل با حمله حاجی‌های منتظر پرواز به مکه کشته شد.

جمعه ۲۶ بهمن

**حمله به مرکز نیروهای آمریکایی در قندهار**  
[سلمان بن حمد آل خلیفه] امیر بحرین، نظام کشورش را مشروطه سلطنتی و خود را شاه اعلام کرد و دستور انجام انتخابات در چند ماه آینده را صادر کرد. در سال ۱۹۷۵ پارلمان را منحل کرده بودند؛ باتوجه به اکثریت شیعی مردم بحرین، تجدید پارلمان کار خوبی است.

دولت آمریکا، سیاست خود درباره محیط زیست را اعلام کرد و اصل را بر حفظ و تقویت قرارداد کم کردن گازهای گلخانه‌ای دانست که تابعی از مسایل اقتصادی است. چند ماه قبل از پیمان کی‌تو خارج شده بود و برگ جدیدی در پرونده تک‌روی و انحصارطلبی و بی‌اعتنایی به مسایل جهانی آمریکا افزوده شد.

دیشب به مرکز نیروهای آمریکایی در قندهار حمله شد و جمعی مجروح داشت. آمریکایی‌ها با پرتاب خمپاره منور، فضا را برای تعقیب چریک‌ها با هلی‌کوپتر روشن کردند. در اثر سقوط منورها، یک آتش‌سوزی مهیب در منطقه ایجاد شده که باعث وحشت مردم است.

آقای [گلبدین] حکمتیار، [رهبر حزب اسلامی افغانستان] اعلام کرده اگر دولت ایران فکر می‌کند، با رفتن او از ایران، مشککش با آمریکا حل می‌شود، حاضر است داوطلبانه از ایران برود و البته به افغانستان خواهد رفت، نه جای دیگر. قبلاً آمریکا و [حامد] کرزی، [رئیس دولت موقت افغانستان] از ایران خواسته بودند که مانع مراجعت حکمتیار به افغانستان بشود و با سختگیری‌های اخیر وزارت کشور و تئدروهای چپ و اظهارات منفی در مجلس علیه او، هم چنین اظهاری کرده که برای ایران و آقای کرزی مشکل‌زااست.

تقویم: روزنامه‌نگاری که فاشیسمت شد



بنیتو موسولینی، روزنامه‌نگار، نظریه‌پرداز و دیکتاتور ایتالیایی در آغاز زندگی سیاسی‌اش عضو از حزب سوسیالیست بود اما به تدریج از آن فاصله گرفت و در پی وقوع جنگ جهانی اول به ملی‌گرایی افراطی روی آورد. او در سال ۱۹۱۹ «حزب فاشیست» را بنیان گذاشت. موسولینی فاشیسم را به مثابه جایگزینی برای دموکراسی لیبرال و سوسیالیسم معرفی می‌کرد؛ نظامی که در آن دولت مطلق است و فرد، فقط تا جایی ارزش دارد که در خدمت قدرت مرکزی قرار گیرد. او می‌گفت: «همه چیز درون دولت، هیچ چیز بیرون از دولت، هیچ چیز علیه دولت.» او نهادهای دموکراتیک را تضعیف کرد، آزادی مطبوعات را از میان برد، احزاب را منحل کرد و با استفاده از تبلیغات وسیع، نظامی تک‌صدایی ساخت. او به شدت با کمونیسم و لیبرالیسم مخالفت داشت و مدعی بود که جامعه باید همچون ارتشی منظم تحت فرمان هدایت‌گر یک رهبر واحد باشد. اندیشه‌های موسولینی با وجود زوال فاشیسم کلاسیک همچنان در قالب‌های نوین راست افراطی، اقتدارگرایی مدرن و ناسیونالیسم رادیکال در برخی کشورها پژواک دارد.

## صدای جاودان ایران

به یاد محمد نوری که در سالمرگ او هستیم

علیرضا گوهری

گروه تاریخ

اولین بار محمد نوری را سال ۷۶ دیدم. آلبومی از او تازه مجوز گرفته بود و بسیار خوشحال به دیدن یکی از دوستانش در مجله زمان آمده بود که درباره این آلبوم و کاست بنویسد. مردی که صدایش هم مانند خواندنش بسیار پرتین بود. این روزها نیز دوباره نام او بر سر زبان است و ترانه «ایران ایران» با صدای محمد نوری، بار دیگر طنین‌انداز است. به ویژه پس از جنگ ۱۲ روزه اخیر، زمانی که رهبر انقلاب در شب عاشورای حسینی از مداح معروف خواستند این سرود پراحساس خوانده شود، این آهنگ به جایگاه تازه‌ای رسید و به نمادی برای وحدت ملی تبدیل شد که پسادآور درها، افتخارات و خاطرات مشترک است. «ای ایران» نه فقط یک سرود ملی که حالا صدایی است برای همبستگی در روزگار کتونی وطن. این صدا بی‌تردید صدای محمد نوری است؛ صدایی که حالا دیگر بخشی از حافظه جمعی ایرانیان شده است.

اما محمد نوری که بود؟ صدای گرم و مطمئن که در تاریخ‌ترین و پرفشارترین سال‌های ایران معاصر، نجیب ایستاد، با امید خواند، و وطن را در تمام معنا زندگی کرد. ۹ مرداد سالگرد درگذشت اوست؛ هنرمندی که سال ۱۳۸۹ در ۸۰ سالگی چشم از جهان فروبست اما صدایش همچنان زنده است. گویی زمان نتوانسته او را به خاطره‌ای خاموش بدل کند. برعکس، در هیاهوی این روزها، او حضوری ملموس‌تر یافته است. در جهانی که ستارگان موسیقی با جنجال و مصرف فوری در ذهن‌ها جرقه می‌زنند و خاموش می‌شوند، نوری همچنان می‌درخشد. شاید چون او ستاره نبود؛ بلکه صدای نجیب یک ملت بود. محمد نوری سسال ۱۳۰۸ در رشت به دنیا آمد؛ در دل یک خانواده فرهنگی، در ایران رضاخانی که از ملوک‌الطوایفی خارج می‌شد تا دولت مدرن شکل بگیرد و با سرعت پیش رود. کودکی او مصادف بود با دوره‌ای که موسیقی سنتی هنوز ریشه در فرهنگ مردم داشت و موسیقی غربی آهسته آهسته خود را وارد فضاهای رسمی می‌کرد. در چنین فضا و زمانه‌ای، نوری هم به موسیقی سنتی دل بست و هم دل به موسیقی کلاسیک غربی سپرد. صدایی میان دو جهان؛ نه اسیر گذشته، نه دل‌بسته تمام‌قد به غرب. او تحصیلات ابتدایی و متوسطه را در تهران گذراند و در سال‌های جوانی به مدرسه عالی موسیقی رفت؛ جایی که زیر نظر استادانی چون روح‌الله خالقی و مصطفی کمال پورتراب، موسیقی را به شکل آکادمیک آموخت. هم‌زمان به ادبیات و تئاتر هم علاقه‌مند بود. این تلفیق هنر‌ها بعدها در آثارش دیده شد؛ ترانه‌هایی که نه صرفاً ملودی که قصه، درون مایه و نگاه داشتند.

میهن‌دوست واقعی

در دوران پیش از انقلاب، نوری از آن دسته خوانندگانی بود که در کافه‌ها یا دربار بدرخشید. با وجود صدای گرم و پرتوانش همچنین توانایی‌اش در اجراهای زنده از شهرت بی‌دلیل بهره‌مند داشت. او از خوانندگانی نبود که رادیو و تلویزیون شاهی را به تسخیر خود درآورند. برعکس، آثارش اغلب در حاشیه اما عمیق بود. ترانه‌هایی با مضامین ملی، فرهنگی و اخلاقی که به دل جامعه فریخته آن

روزگار می‌نشتند. در دهه‌ی ۵۰، همکاری‌اش با آهنگساز برجسته فریدون شهبازیان، دوران تازهای در کارنامه هنری‌اش رقم زد. قطعاتی مانند «ایران ایران»، «جان من و جان تو»، «نازنین مریم» و «دریا» حاصل همین دوره‌اند. موسیقی‌ای با ترکیب ارکسترال غربی و نغمه‌های ایرانی، با شعرهایی که بوی وطن، عشق، طبیعت و اخلاق می‌دادند. نوری اما اهل نمایش نبود. نه زندگی خصوصی‌اش تیتز مجلات شد و نه چهره‌اش به آگهی‌های تبلیغاتی راه یافت. او از آن نسل خوانندگانی بود که با واژه و صدا کار می‌کردند، نه با حاشیه و بازار. در ایران، که گاه هنر با سیاست هم سایه‌ای ناگزیر دارد، نوری راه خاص خود را پیمود: هنرمندی میهن‌دوست، اما نه شعارزده؛ اخلاق‌مدار. آنچه محمد نوری را از بسیاری از هم‌عصرانش متمایز می‌کرد، میهن‌دوستی صمیمانه، عمیق و بی‌هیاهوی او بود. او هیچ‌گاه



وارد بازی‌های سیاسی نشد اما در سخت‌ترین دوران‌ها، ایران را با صدا، موسیقی و منش خود نمایندگی کرد. «ای ایران» او بر خلاف اجرای رسمی و حماسی غلامحسین بنان، رنگ و بویی مردمی‌تر دارد؛ آوازی است که گویی از دل مردم برمی‌خیزد، نه از بوق بلند دولت‌ها. در سال‌های پس از انقلاب، نوری نه تنها از موسیقی فاصله نگرفت بلکه شاگردانی تربیت کرد و به آموزش موسیقی پرداخت. او که به زبان فرانسه و انگلیسی تسلط داشت، آثار موسیقی کلاسیک غربی را نیز تحلیل می‌کرد و به زبان ساده به شاگردانش می‌آموخت. دغدغه‌اش رشد هنرمندان بود، نه شهرت خودش.

اما اگر قرار باشد فقط یک ترانه از محمد نوری را نماد او بدانیم، بی‌گمان «ایران ایران» است. ترانه‌ای که فراتر از یک قطعه موسیقی به نوعی بیانیه فرهنگی تبدیل شد؛ اعلام عاطفی تعلق به سرزمینی که در طول دهه‌ها، آزمون‌های سختی از سر گذرانده است. شعری که با زبان ساده و احساس صادقانه‌اش بلافاصله با مخاطب ارتباط برقرار می‌کند: ایران، ایران، دور از دامن پاکت/دست دگران، بدگهران...

تولید این قطعه اواخر دهه ۵۰ در یکی از پرتش‌ترین سال‌های تاریخ ایران انجام شد؛ زمانی که ایران در آستانه انقلاب بود، بحران‌های سیاسی گسترش یافته بود و حس وطن‌دوستی در جامعه با نوعی نگرانی و ابهام آمیخته بود. در چنین فضایی، نوری به جای پناه بردن به ترانه‌های عاشقانه یا صلح‌طلبانه کلیشه‌ای، تصمیم گرفت قطعه‌ای بخواند که هم با روح ملی سازگار باشد هم با شعور اجتماعی. آهنگ «ایران ایران» در سال‌های ابتدایی پس از انقلاب نیز به حیات خود

ادامه داد، بی‌آنکه رنگ تبلیغات رسمی به خود بگیرد. این خود نقطه تمایز نوری بود؛ آثارش به‌قدری شریف و مستقل بودند که حتی در فضای حساس دهه ۶۰ نیز جایگاهی برای خود یافتند. برخلاف برخی از هم‌سلانش که حذف شدند، نوری صدای خود را حفظ کرد. در سال‌های پس از جنگ ایران و عراق به‌ویژه پس از زلزله‌ها، بحران‌ها و رویدادهای بزرگ ملی، صدای «ایران ایران» بارها از رادیو و تلویزیون پخش شد. این ترانه، همان‌طور که خود نوری در گفت‌وگویی کوتاه اشاره کرده بود، نه برای یک دولت یا یک دوره بلکه برای خود وطن ساخته شده بود. این‌که حالا در سال ۱۴۰۴ رهبر انقلاب در شب عاشورا می‌خواهد این سرود در پایان جنگ ۱۲ روزه و سهمگین خوانده شود، گواهی است بر اینکه «ایران ایران» دیگر یک ترانه نیست؛ یک نماد است، یک زبان مشترک در بزنگاه‌های همبستگی. با این حال او آثار دیگری هم دارد که دل‌ها را با خود برده است. در میان آثار متعدد محمد نوری، ترانه «نازنین مریم» معروف به «جان مریم» نیز جایگاه ویژه‌ای دارد؛ قطعه‌ای که از سویی عاشقانه است اما از سوی دیگر به طرز شگفت‌انگیزی با فرهنگ، زبان و عاطفه ایرانی پیوند خورده است. این ترانه، مانند بسیاری از آثار نوری، فراتر از یک شعر عاشقانه صرف است. او نه فقط از «مریم» سخن می‌گوید بلکه در واقع از زنی ایرانی و از زنی نمادین حرف می‌زند؛ از عشقی شریف و انسانی، نه از تمنای سطحی. ملودی اثر به نحوی طراحی شده که با حداقل ابزار موسیقایی، بیشترین احساس را منتقل کند. در اجرای «نازنین مریم»، صدای نوری در لحنی گرم و بی‌تکلف جاری است؛ گویی این آواز، گفت‌وگوی بی‌واسطه‌ای است با مخاطبی آشنا، محبوبی که هم در خیال است، هم در حافظه ملی. موسیقی فریدون شهبازیان در این قطعه، ساده و بی‌ادعاست اما درست به همین دلیل، بی‌واسطه به قلب می‌نشیند. نوری با این ترانه نشان داد که چگونه می‌توان عاشقانه نوشت اما دچار سانتی‌مانتالیسم نشد. چگونه می‌توان از عشق گفت، بی‌آنکه از کرامت، از فرهنگ، از خویش‌تن شاعرانه فاصله گرفت. «نازنین مریم» در حافظه جمعی نسل‌هایی از ایرانیان حک شده است؛ چراکه صادق است، بی‌ادعاست و از دل برمی‌آید.

زندگی در سکوت

محمد نوری در سال‌های پایانی عمر، کمتر در انتظار عمومی ظاهر شد. بیماری، کهنه دردهای جامعه و شاید نوعی دلزدگی از فضای فرهنگی تودپیستند، او را به کنج خلوت خود کشانند. اما صدایش، با همان طنین دل‌گرم کننده، در حافظه ایرانیان زنده ماند. سرانجام در ۹ مرداد ۱۳۸۹ محمد نوری در تهران چشم از جهان فروبست. مراسم تشییع او، برخلاف سکوت رسانه‌ای‌اش، با حضور پرشمار هنرمندان، دانشجویان موسیقی و دوست‌دارانش برگزار شد. مرگ اما پایان او نبود. مگر برای هنرمند می‌توان، عنصر مرگ را در نظر گرفت؟ تا زمانی که آثار دیده و شنیده و خوانده می‌شود، او نیز زنده است. در سال‌های اخیر، به ویژه در لحظات بحرانی، ترانه‌هایش دوباره شنیده شدند. «ایران، ایران» نه فقط تصنیف قدیمی که ندای جمعی دل‌بستگان به این سرزمین است. به ویژه پس از جنگ و در اوج التهاب اجتماعی، وقتی سیاست‌ورزان نیز به این نوا رجوع کردند، روشن شد که نوری فراتر از یک خواننده بود «او وجدان آوایی یک ملت است».

محمد نوری هنرمندی بود که در زمانه گذار، صدایی روشن و پایدار باقی ماند. نه فریاد زد، نه معامله کرد، نه سکوتش از سر ترس بود و نه صدایش از سر جلب توجه. او ترانه و تصنیف را به سکویی برای تأمل و همبستگی بدل کرد. در روزگاری که شعار جای شعور را گرفته، صدای او بار دیگر به ما یادآوری می‌کند که وطن فقط خاک نیست؛ خاطره، صدا، نجابت و امید است. و چه خوشبختیم که هنوز صدای نوری را داریم.